

توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها؛ مروری بر ادبیات دانشگاهی آن در ایران

رسول فرجام: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران*
محمد سلیمانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
سیمین تولایی: استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
مجتبی رفیعیان: دانشیار برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
علی موحد: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها دو دهه‌ای است که به یکی از مهمترین پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی تبدیل شده‌است. این رویکرد از بین مفاهیم جدید توسعه شهری نظیر نوشهرگرایی، توسعه پایدار، ارتقاء رقابت پذیری کاربری‌های شهری و رشد هوشمند شهری، تولید شده است. با نگاهی به طرح‌های توسعه شهری که برای بسیاری از شهرهای کشور به ویژه کلان شهرها تهیه شده است می‌توان ادعان نمود که تبیین نظری و متدولوژیک این پارادایم در ادبیات دانشگاهی توسعه شهری ایران بسیار کم‌رنگ بوده است. همین موضوع، با هدف مشخص نمودن جایگاه رویکرد مذکور در ادبیات برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشور و تبیین زمینه‌های بومی سازی آن، مبنای مسأله‌شناسی این مقاله را تشکیل داده است. برای این منظور اجزاء و محتوای ۱۳۵ مقاله فارسی که در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه شهری تهیه و به چاپ رسیده‌اند، از طریق روش تحقیق توصیفی-تحلیل محتوا و به کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که جایگاه رویکرد جدید ترکیب کاربری‌های شهری در ادبیات دانشگاهی ایران بسیار ناپاست و به تازگی در کانون توجهات قرار گرفته است. همچنین پژوهشگران و گروه‌های درگیر در مسائل برنامه‌ریزی و توسعه شهری، تا کنون سهم متفاوت اما ناچیزی در توسعه ادبیات این رویکرد در داخل داشته‌اند و بیشترین سهم در این خصوص مربوط به پژوهشگران شهرساز و بعد جغرافی دانان بوده است. تحلیل محتوای مقالات به روشنی آشکار ساخت که بیشتر پژوهشگران اگرچه به طور مستقیم به مباحث مربوط به رویکرد توسعه شهری مبتنی بر اختلاط کاربری پرداخته‌اند اما از لابلای مطالب آنها می‌توان ضرورت به کار گیری رویکرد توسعه مذکور را در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشور پیدا نمود. واژه‌های کلیدی: ترکیب کاربری‌های شهری، نوشهرگرایی، اختلاط کاربری، نوشهرسازی، رشد هوشمند شهری، برنامه‌ریزی شهری

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

با برگزاری کنگره سیام^۱ و از زمان جنگ جهانی دوم توسعه شهری در بسیاری از شهرهای آمریکای شمالی و اروپایی به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر اصول کارکردگرایی قرار گرفت. در این باور، شکل و ساختمان شهر باید منطبق با نیازمندی‌ها باشد که در آن چهار ویژگی اصلی (خانه سازی، به کارگیری زمین، تفریح و حمل و نقل) به طور مشخصی از یکدیگر جدا می‌شدند. این در حالی است که در طول دهه‌های گذشته، جهت گیری برنامه‌ریزی شهری به سمت اختلاط کاربری‌ها سوق داشته است. به گونه‌ای که در اروپا آن را بخشی از رنسانس شهری (Stead and Hoppenbrouwer, 2004) یا مفهوم شهر متراکم (Breheny, 1992) و در ایالات متحده به عنوان بخشی از رویکرد نوشهرسازی، می‌دانند (Cervero & Kockelman, 1997 ; Furuseth, 1997 ; Gyourko & Rybezynski, 2000).

رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری با اتکا به کاربری‌های اصلی و پایه‌ای شهری، از بین مفاهیم جدید توسعه شهری نظیر نوشهرگرایی، توسعه پایدار، ارتقاء رقابت پذیری کاربری‌های شهری و رشد هوشمند شهری، تولید شده است (Rabianski and Sherwood, 2007) که منافع زیست محیطی، اجتماعی، طراحی شهری و نهادی را در درون خود دارد و به نظر یک رویکردی دقیق و مطلوب برای خلق محیط شهری قابل زیست، جذاب و پایدار محسوب می‌شود (Hoppenbrouwer & Louw, 2005). هدف کلی طرح‌های اختلاط کاربری، بهبود رفاه اجتماعی و سلامت ساکنین شهری است. این هدف از چند طریق قابل دستیابی است که از

مهمترین آنها، گردهم آوردن و یا ترکیب فضاهای زندگی و کار در کنار یکدیگر و از بین بردن نواحی تک کارکردی شهری است (Witherspoon et al, 1976: 28). از اینرو توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها، یک استراتژی لذت بخش برای مرتب کردن فضای فیزیکی محسوب می‌شود که برای عملکرد مطلوبتر جامعه مورد نیاز است و حول محور تمایل به تغییر الگوهای کنونی رشد شهری (Downs, 2005).

مفهوم توسعه شهری در این رویکرد از سه سطح مفهومی بنیادین برخوردار است که عبارتند از افزایش فشردگی کاربری اراضی شهری، افزایش تنوع کاربری‌های قابل رقابت مثل تجاری، مسکونی، دفاتر کاری، اوقات فراغت و ... در مناطق مختلف شهر و در نهایت، همگرا و سازگار نمودن کاربری‌های از هم جدا شده از طریق اعمال محدودیت‌های زیست محیطی و آیین‌نامه‌های جدید منطقه‌بندی (Schwanke, 2003; Cervero, 1988). بنابراین، آشکار است که دلایل زیادی برای به کار گیری رویکرد ترکیب کاربری‌ها در برنامه‌ریزی و بازسازی محیط‌های شهری وجود دارد، از ایجاد انگیزه‌های اجتماعی و تکاپوهای مدنی گرفته تا بهبود کیفیت هوا و افزایش فعالیت اقتصادی شهر (Grant, 2002; Coupland, 1997).

پوشش شهری معاصر ایران نیز از روند توسعه شهری مبتنی بر منطقه‌بندی و الگوی برنامه‌ریزی جامع غرب - اگرچه نه در تکرار مصادیق عینی آن متأثر بوده است و در ترکیب با تحولات و تأثیرات جنبش شهرسازی مدرنیستی، دگرگونی‌های شهری ویژه‌ای را در پی داشته است. با دستور کار قرار گرفتن تهیه طرح‌های جامع شهری (از دهه ۴۰ هـ ش) در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور، نقشه‌های کاربری اراضی با دستورات منطقه‌بندی و به همراه

1 - CIAM (Congre's Internationaux d'Architecture Moderne).

جستجو، کلید واژه‌هایی که به لحاظ نظری و مفهومی با موضوع مقاله مرتبط هستند نیز مشخص شدند تا مقالات مورد نیاز با تکیه بر آنها، برگزیده شوند. کلید واژه‌هایی که برای این امر در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از: توسعه ترکیبی، اختلاط کاربری، واحدهای همسایگی، توسعه محله محور، پیاده روی، فشردگی شهری، تراکم شهری، تنوع کاربری، مراکز خرده فروشی، توسعه شهری، کاربری اراضی شهری، کاربری زمین، توسعه فیزیکی شهری، برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، شهرسازی مدرنیستی، نوشهرگرایی، توسعه پایدار شهری، رشد هوشمند شهری، فضای عمومی، فضای شهری، کیفیت شهری، کیفیت زندگی، سرزندگی شهری، کاربری مسکونی، طرح جامع، برنامه‌ریزی عقلانی، نوسازی شهری، بهسازی شهری، مرکز تجاری شهر، شهرهای جدید، پراکنده رویی و رشد حومه‌ای شهری. از بین پژوهش‌هایی که تا کنون پیرامون مطالعات برنامه‌ریزی و توسعه شهری انجام شده‌اند در مجموع ۱۳۵ مقاله انتخاب و بررسی گردید. از آنجایی که قلمرو این تحقیق را متناهی مکتوب داخلی، پیرامون رویکرد توسعه ترکیبی شهری به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین، روش کار در این مقاله بر مبنای تحقیق توصیفی-تحلیل محتوا استوار است. به این صورت که اجزاء و مطالب مقالات انتخابی، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شوند تا توصیف کمی (با استفاده از SPSS) و کیفی محتوای مفاهیم این الگو جدید در ادبیات دانشگاهی داخل، بصورت نظام‌مند انجام و مشخص شود.

۲- مباحث و یافته‌ها

۲-۱- توصیف کمی مقالات

در این قسمت به منظور بهتر مشخص شدن جایگاه رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها در ادبیات دانشگاهی داخل، اجزا و عناصر

مجموعه مختصری از ضوابط غیر منعطف به عنوان اسناد توسعه شهری، عمومیت پیدا نمودند (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۸). با نگاهی به طرح‌های توسعه شهری که برای بسیاری از شهرهای کشور به ویژه کلانشهرها تهیه شده است می‌توان اذعان نمود که تبیین نظری و متدولوژیک این پارادایم در ادبیات دانشگاهی توسعه شهری ایران بسیار کم‌رنگ می‌نماید. این در حالی است که با توجه به کمبود زمین برای توسعه‌های آتی شهری، توجه به کیفیت مطلوب زیست محیطی شهری، رعایت فشردگی و پایداری توسعه شهری، ضرورت توجه به رویکرد اختلاط کاربری را بیش از پیش برجسته‌تر می‌کند. همین روند، مبنای مسأله‌شناسی این مقاله را تشکیل می‌دهد و این سوال اساسی را مطرح می‌سازد که رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها در ادبیات مطالعات شهری کشور چه جایگاهی دارد؟ از اینرو این پژوهش به دنبال آن است تا با مشخص نمودن جایگاه رویکرد مذکور در ادبیات برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشور، زمینه‌های بومی سازی آن را فراهم سازد به این امید که مبنایی برای اقدام برنامه‌ریزی اختلاط کاربری - محور در نظام برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری کشور تعیین شود.

۲-۱- روش تحقیق

برای ردیابی رویکرد توسعه ترکیب کاربری شهری در ادبیات دانشگاهی داخل، مجموعه مقالات و فعالیت‌های علمی که در حوزه توسعه و برنامه‌ریزی شهری تولید شده‌اند، مورد بازدید قرار گرفته‌اند. از اینرو تمامی مجلات علمی و پژوهشی کشور که در زمینه‌های علمی جغرافیایی، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، توسعه ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی اجتماعی، منتشر می‌شوند مورد جستجو قرار گرفتند تا از بین آنها مقالات مورد نیاز پژوهش انتخاب شوند. در ادامه و به منظور محدود نمودن گستره

مطالعات مربوط به ترکیب کاربری‌ها در پارادایم فکری و داشتن نتیجه گیری مستقیم در خصوص رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها، مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. در جداول ۱ تا ۶ تجزیه و تحلیل کمی هر یک از آنها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

مقالات انتخابی از طریق موضوعاتی چون گرایش علمی نویسندگان، واژگان کلیدی طرح شده، برخورداری از واژگان کلیدی مربوط به ترکیب کاربری‌ها، قرابت با مطالعات مربوط به ترکیب کاربری‌ها در روش، قرابت با مطالعات مربوط به ترکیب کاربری‌ها در بحث و نتیجه‌گیری، قرابت با

جدول ۱- دسته‌بندی موضوعی مقالات بر اساس گروه کلمات کلیدی

گستره زمانی	درصد	تعداد مقالات مورد بررسی	طبقه بندی موضوعی
۱۳۸۶-۸۹ یک دوره سه ساله	۳۱/۹	۴۳	برنامه ریزی و توسعه شهری
۱۳۸۰ - ۱۳۹۰ یک دوره ۱۰ ساله	۸/۱	۱۱	بازسازی و نوسازی شهری
۱۳۷۹ - ۱۳۹۱ یک دوره زمانی ۱۲ ساله	۲۴/۴	۳۳	کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها
۱۳۸۲-۹۰ یک دوره هشت ساله	۱۹/۳	۲۶	فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی
۹۰ - ۱۳۷۹ یک دوره یازده ساله	۲/۲	۳	مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری
یک بازه ده ساله از ۱۳۸۰ - ۹۰	۱۴/۱	۱۹	نظریه های نو در برنامه ریزی شهری
	۱۰۰	۱۳۵	جمع کل

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- دسته‌بندی موضوعی مقالات و برخورداری آنها از واژگان کلیدی مربوط به ترکیب کاربری‌ها

طبقه بندی موضوعی مقالات	دارد	ندارد	جمع کل
برنامه ریزی و توسعه شهری	۰	۴۳	۴۳
بازسازی و نوسازی شهری	۰	۱۱	۱۱
کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها	۰	۳۳	۳۳
فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی	۰	۲۶	۲۶
مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری	۰	۳	۳
نظریه های نو در برنامه ریزی شهری	۲	۱۷	۱۹
جمع کل	۲	۱۳۳	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲-۱- جدول متقاطع گرایش نویسندگان با برخورداری از واژگان کلیدی مربوط به ترکیب کاربری‌ها

برخورداری از واژگان کلیدی مربوط به توسعه ترکیبی	گرایش نویسندگان							علوم اجتماعی	شهرسازی	طراحی شهری	ردیف
	مدیریت شهری	مدیریت استراتژیک	معماری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	اقتصاد سیاسی	برنامه ریزی شهری	جغرافیای طبیعی				
دارد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	
ندارد	۱	۱	۶۲	۱۰	۱	۱	۵	۱	۴۴	۷	
جمع کل	۱	۱	۶۲	۱۰	۱	۱	۵	۱	۴۶	۷	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پژوهشگرانی که در حیطه شهرسازی فعالیت داشته‌اند تولید شده‌اند.

همان گونه که مشاهده می‌شود از بین ۱۳۵ مقاله انتخابی فقط دو مقاله از کلید واژه‌های رویکرد توسعه ترکیبی استفاده نموده‌اند که این دو مورد نیز توسط

جدول ۳- دسته‌بندی موضوعی مقالات و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در روش

طبقه بندی موضوعی مقالات	دارد	ندارد	جمع کل
برنامه ریزی و توسعه شهری	۰	۴۳	۴۳
بازسازی و نوسازی شهری	۰	۱۱	۱۱
کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها	۰	۳۳	۳۳
فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی	۱	۲۵	۲۶
مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری	۰	۳	۳
نظریه های نو در برنامه ریزی شهری	۰	۱۹	۱۹
جمع کل	۱	۱۳۴	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳-۱- جدول متقاطع گرایش نویسندگان و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در روش

قرابت با مطالعات مربوط به توسعه ترکیبی در روش	گرایش نویسندگان										جمع کل
	طراحی شهری	شهرسازی	علوم اجتماعی	جغرافیای طبیعی	مدیریت شهری	مدیریت استراتژیک	معماری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	اقتصاد سیاسی	برنامه‌ریزی شهری	
دارد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
ندارد	۷	۴۵	۱	۵	۱	۱	۱۰	۶۲	۱	۱	۱۳۴
جمع کل	۷	۴۶	۱	۵	۱	۱	۱۰	۱	۱	۱	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

مقاله نیز توسط پژوهشگرانی تهیه و چاپ شده است که زمینه علمی پژوهش آنها شهرسازی بوده است.

از جدول ۳ این گونه استنباط می‌گردد که از مجموع ۱۳۵ مقاله صرفاً یک مقاله در روش کار با رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری قرابت دارد. این

جدول ۴- دسته‌بندی موضوعی مقالات و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در نتیجه گیری کلی

طبقه بندی موضوعی مقالات	دارد	ندارد	جمع کل
برنامه ریزی و توسعه شهری	۱	۴۲	۴۳
بازسازی و نوسازی شهری	۶	۵	۱۱
کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها	۴	۲۹	۳۳
فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی	۵	۲۱	۲۶
مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری	۲	۱	۳
نظریه های نو در برنامه ریزی شهری	۸	۱۱	۱۹
جمع کل	۲۶	۱۰۹	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴-۱- جدول متقاطع گرایش نویسندگان با قرابت مطالعات مربوط به ترکیب کاربری‌ها در نتیجه گیری کلی

قرابت با مطالعات مربوط به توسعه ترکیبی در نتیجه گیری کلی	گرایش نویسندگان										جمع کل
	طراحی شهری	شهرسازی	علوم اجتماعی	جغرافیای طبیعی	مدیریت شهری	مدیریت استراتژیک	معماری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	اقتصاد سیاسی	برنامه‌ریزی شهری	
دارد	۴	۱۲	۰	۰	۰	۰	۳	۷	۰	۰	۲۶
ندارد	۳	۳۴	۱	۵	۱	۱	۷	۵۵	۱	۱	۱۰۹
جمع کل	۷	۴۶	۱	۵	۱	۱	۱۰	۶۲	۱	۱	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پیشنهادها مطرح شده‌اند. نکته جالب در این قسمت ترکیب گرایش نویسندگان است زیرا از مجموع ۲۶ نویسنده مسئول، گرایش علمی ۷ نفر آنها جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۳ نفر معماری، ۱۲ نفر شهرسازی و ۴ نفر طراحی شهری بوده است. همچنین از مجموع ۲۶ مقاله فقط ۸ مورد آن طبقه‌بندی موضوعی شان نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری و یک مورد برنامه‌ریزی و توسعه شهری بوده است.

در این زمینه نتایج کمی بهتر است چرا که ۲۶ مقاله در نتیجه گیری‌های خود به صورت غیر مستقیم به رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری اشاره نموده‌اند. این امر بیانگر وجود دغدغه در خصوص پرداختن بیشتر به این رویکرد در اطلاع نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌های توسعه شهری ایران است. چون همانگونه که در بخش بعدی یافته‌ها به آن پرداخته خواهد شد بیشتر این نتیجه گیری‌ها در غالب ارائه راهکار و

جدول ۵- دسته‌بندی موضوعی مقالات و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در نتیجه گیری مستقیم

طبقه بندی موضوعی مقالات	دارد	ندارد	جمع کل
برنامه ریزی و توسعه شهری	۰	۴۳	۴۳
بازسازی و نوسازی شهری	۰	۱۱	۱۱
کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها	۰	۳۳	۳۳
فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی	۱	۲۵	۲۶
مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری	۰	۳	۳
نظریه های نو در برنامه ریزی شهری	۲	۱۷	۱۹
جمع کل	۳	۱۳۲	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵-۱- جدول متقاطع گرایش نویسندگان و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در نتیجه گیری مستقیم

قرابت با مطالعات مربوط به توسعه ترکیبی در نتیجه گیری مستقیم	گرایش نویسندگان										جمع کل
	برنامه ریزی شهری	اقتصاد سیاسی	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	معماری	مدیریت استراتژیک	مدیریت شهری	جغرافیای طبیعی	علوم اجتماعی	شهرسازی	طراحی شهری	
دارد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۳
ندارد	۱	۱	۶۲	۱۰	۱	۱	۵	۱	۴۳	۷	۱۳۲
جمع کل	۱	۱	۶۲	۱۰	۱	۱	۵	۱	۴۶	۷	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پژوهشگران شهرساز تهیه شده‌اند به طور مستقیم نتایجی را ارائه داده‌اند و ۲۳ مورد دیگر فقط اشارات مشابه و کلی را در نتایج خود تولید نموده‌اند.

از مقایسه جداول ۵ و ۴ می‌توان این گونه استنباط نمود که اگرچه ۲۶ مقاله در نتیجه گیری‌های خود به رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری اشاره داشته‌اند اما صرفاً سه مورد از آنها که توسط

جدول ۶- دسته‌بندی موضوعی مقالات و قرابت آنها با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در پارادایم فکری

طبقه بندی موضوعی مقالات	دارد	ندارد	جمع کل
برنامه ریزی و توسعه شهری	۱	۴۲	۴۳
بازسازی و نوسازی شهری	۰	۱۱	۱۱
کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها	۰	۳۳	۳۳
فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی	۰	۲۶	۲۶
مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری	۰	۳	۳
نظریه های نو در برنامه ریزی شهری	۹	۱۰	۱۹
جمع کل	۱۰	۱۲۵	۱۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶-۱- جدول مقاطع گرایش نویسندگان با قرابت مطالعات مربوط به توسعه ترکیبی در پارادایم فکری

ردیف	گرایش نویسندگان										
	قرابت با مطالعات مربوط به توسعه ترکیبی در پارادایم فکری	طراحی شهری	شهرسازی	علوم اجتماعی	جغرافیای طبیعی	مدیریت شهری	مدیریت استراتژیک	معماری	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	اقتصاد سیاسی	برنامه ریزی شهری
۱۰	دارد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲۵	ندارد	۷	۳۸	۱	۵	۱	۱	۱۰	۶۰	۱	۱
۱۳۵	جمع کل	۷	۴۰	۱	۵	۱	۱	۱۰	۶۲	۱	۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق

عملکردهای اجتماعی و اقتصادی مردم در فضاهای شهر (پوردیپیمی، ۱۳۸۲؛ عینی‌فر و قاضی زاده، ۱۳۸۹؛ نوذری، ۱۳۸۳)، بررسی احساس تعلق محیطی و احساس ادراکات فرهنگی و اجتماعی شهروندان ساکن در پیرامون کاربری‌ها یا فضاهای شهری (حبیبی، ۱۳۸۰)، شناخت ابعاد و مفاهیم کیفیت شهری و کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹؛ لطفی، ۱۳۸۸)، ارزیابی عملکرد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بافت‌های قدیم در تامین رضایت شهروندان از محیط شهری و محل زندگی و ارزیابی کیفیت زندگی شهری از منظر عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات و امکانات شهری (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰؛ فلاحت و کلامی، ۱۳۸۷)، تعیین شاخص‌های موثر در کیفیت زندگی شهری و خلق فضاهای شهری سرزنده و سنجش ارزشهایی کیفی فضاهای شهری (چرخیان و دانشپور، ۱۳۸۸؛ رفعیان و خدائی، ۱۳۸۸؛ مرادی، ۱۳۸۶)، تاثیر رویکردهای معاصر توسعه و طراحی شهری بر کیفیت فضاهای شهری و چگونگی طراحی آنها (سلطانی و نامداریان، ۱۳۹۰؛ مطلبی، ۱۳۸۵؛ عزیز، ۱۳۸۳؛ پوردیپیمی، ۱۳۸۰؛ پور جعفر و فرزبود، ۱۳۸۶)، نقش فضاهای شهری در تولید سرمایه‌های اجتماعی، یکپارچگی جامعه و ایجاد خاطره و حیات جمعی رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴؛ ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ دانشپور و چرخیان، ۱۳۸۶) و بررسی مفاهیم فضای شهری کهن و معاصر ایران و باز تعریف فضای شهری

از مجموع مقالات مورد بررسی، ۱۰ مورد آنها در پارادایم فکری با رویکرد اختلاط کاربری، شباهت‌هایی دارند که از بین آنها ۸ مورد را پژوهشگران شهرساز و ۲ مورد را پژوهشگران جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تولید نموده‌اند.

۲-۲- تحلیل محتوای مقالات

بیشتر بیان شد که ۱۳۵ مقاله برای این منظور انتخاب شده‌اند تا بتوان بررسی و تحلیل دقیقتری از رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها در ادبیات داخلی کشور داشت. مقالات انتخابی در محورهای زیر دسته‌بندی و تحلیل محتوی شده‌اند:

- فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی؛
 - برنامه‌ریزی و توسعه شهری؛
 - کاربری اراضی شهری: مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها؛
 - بازسازی و نوسازی شهری؛
 - نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری؛
 - مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری.
- محور فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی

مقاله‌ای که محور پژوهشی آنها فضاهای شهری و عمومی و نقش آنها در ارتقاء کیفیت محیط شهری می‌باشند ۲۶ مورد هستند. این مقالات، موضوعات گوناگونی را مورد پژوهش قرار داده‌اند از جمله بررسی تاثیر یک یا چند کاربری شهری در ارتقاء

(میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵؛ دانش و طیبی، ۱۳۹۰؛ حبیب و همکاران، ۱۳۹۰).

اگرچه پژوهش‌های مذکور دقیقاً در ارتباط با رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری، تهیه و تدوین نشده‌اند اما برخی از گزاره‌های به کار رفته در آنها با گزاره‌های رویکر ترکیب کاربری شهری قرابت دارند. به عنوان چرخیان و دانشپور (۱۳۸۸) در ترسیم ابعاد و مولفه‌های فضاهای عمومی پاسخگو، هیجده متغیر را در چهار گروه شاخصی، معرفی می‌نمایند که وجود تنوع فعالیتی، اشتغال فعال، دسترسی مناسب و امنیت و آسایش از جمله شاخص‌هایی هستند که با اهداف توسعه‌ای طرح‌های ترکیب کاربری شهری همپوشانی دارند. این شباهت مفهومی را می‌توان در نتیجه‌گیری رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) نیز مشاهده نمود. ایشان پیشنهاد می‌کنند که برای ایجاد حس رضایتمندی از فضاهای شهری در نزد شهروندان، اقداماتی چند می‌بایست انجام شوند از جمله ایجاد زمینه‌هایی برای انجام فعالیت‌های متنوع در مجاورت هم و اختلاط کاربری‌های مسکونی و مراکز فعالیت به منظور کاهش سفرهای درون شهری (رفیعیان و خدائی، ۱۳۸۸).

قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) و عینی‌فر و قاضی‌زاده (۱۳۸۹)، این موضوع را از جهت دیگری مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به این‌صورت که فقدان منابع درآمدی در محل زندگی، نبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی و نبود تنوعی از کاربری‌های شهری، کیفیت زندگی شهری را به شدت پایین می‌آورد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰)، طرحی که برای بومی نمودن رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری در ایران بسیار کارآ خواهد بود.

- محور برنامه‌ریزی و توسعه شهری

این تحقیقات با ۴۳ مورد، بیشترین تعداد مقالات را به خود اختصاص داده‌اند و طیف گسترده‌ای از

موضوعات مطالعاتی را پوشش می‌دهند از جمله نحوه منطقه‌بندی و مدیریت شهری، میزان دخالت دولت در برنامه‌ریزی شهری و نقش‌های چندگانه برای کلانشهرها (عندلیب، ۱۳۹۰؛ مولازاده، ۱۳۷۹؛ علی اکبری و فرجی دارابخانی، ۱۳۸۵؛ آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷؛ قهرمانی و شیعه، ۱۳۹۰)، آسیب شناسی طرح‌های توسعه شهری در جهت شناسایی نارسایی‌ها و اصلاح آنها و چشم انداز آتی آنها (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۵؛ ماجدی، ۱۳۸۹؛ پیلهور و پوراحمد، ۱۳۸۳؛ لطفی، ۱۳۸۴؛ جمهیری و همکاران، ۱۳۸۷)، حاشیه نشینی، توسعه فیزیکی و افقی شهر و توسعه شهری مبتنی بر پراکنده‌رویی (تقوایی و سرایی، ۱۳۸۵؛ موحد و تقی‌زاده، ۱۳۸۸؛ بابایی‌اقدام و همکاران، ۱۳۸۶؛ قرخلو و همکاران، ۱۳۹۰؛ شمس و حجی‌ملایری، ۱۳۸۸؛ مظفری و اولی‌زاده، ۱۳۸۷؛ جباری و همکاران، ۱۳۸۹؛ کرم و محمدی، ۱۳۸۸؛ ثروتی و خضری، ۱۳۸۸؛ انصاری-لاری و صدری‌زاده، ۱۳۸۹)، روش‌ها و رویکردهای نو در طرح‌های توسعه شهری (عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمی نژاد و فرجی‌ملایی، ۱۳۹۰؛ حسین‌زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۰؛ اشرفی و ملک‌زاده، ۱۳۸۹؛ اشرفی، ۱۳۸۸؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ اسدالهی، ۱۳۷۹؛ رابرتسون، ۱۳۸۰)، فرایند برنامه‌ریزی شهری، توسعه شهری مدرنیستی و تاثیرات آن بر شکل توسعه‌های شهری (حبیبی و جابری مقدم، ۱۳۸۴؛ شماعتی، ۱۳۸۲؛ حبیب و اهری، ۱۳۸۵) و شهرهای جدید (زبردست و جهانشاهلو، ۱۳۸۶؛ قرخلو و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۸؛ جعفری و حبیب‌پور، ۱۳۸۷؛ ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳؛ محمدزاده، ۱۳۸۸؛ لطفی، ۱۳۸۳؛ یزدانی و پوراحمد، ۱۳۸۶)، ارزیابی طرح‌های جامع شهری (محملی‌ایبانه، ۱۳۹۰؛ حسین‌زاده‌دلیر و همکاران، ۱۳۸۹؛ عزیز و آراسته،

از پراکنده‌روی شهری نیز مورد اشاره قرار نگرفته است.

پاره‌ای از تحقیقات به تاثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی نظیر نابرابری‌های اجتماعی یا سرمایه‌های اجتماعی، بر توسعه‌های شهری پرداخته‌اند (محسنی تبریزی و آقامحسني، ۱۳۸۹؛ حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). این گروه از مطالعات، عموماً به رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی شهروندان و میزان برخورداری آنها از خدمات شهری می‌پردازند. تفاوت اساسی این تحقیقات با رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها در این است که رویکرد اختلاط کاربری، ترکیبی از کاربری‌ها را برای طیفی از شهروندان با پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت در یک ناحیه شهری نظیر واحدهای همسایگی فراهم می‌آورد اما این مطالعات، صرفاً الگویی از نظام پراکندگی و توزیع خدمات شهری بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان را ارائه می‌دهند.

در برخی از تحقیقاتی که رویکردهای نو در طرح‌های توسعه شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند (عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمی‌نژاد و فرجی‌ملایی، ۱۳۹۰؛ حسین‌زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۰؛ اشرفی و ملک‌زاده، ۱۳۸۹؛ اشرفی، ۱۳۸۸؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ اسدالهی، ۱۳۷۹؛ رابرتسون، ۱۳۸۰)، می‌توان زمزمه‌های ورود رویکرد ترکیب کاربری‌ها را در ادبیات دانشگاهی ایران شنید. به عنوان مثال، پژوهشی با عنوان اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری توسط عباس‌زادگان و رضوی (۱۳۸۵) انجام شده است که از منظر پارادایمی با رویکرد ترکیب کاربری‌ها، سازگار است. این مطالعه، رویکرد برنامه‌ریزی شهری طراحی-محور را به ادبیات دانشگاهی شهرسازی کشور معرفی می‌کند و توضیح

۱۳۹۰؛ قلعه‌نویی و تدین، ۱۳۸۹) و در نهایت نیروهای تاثیر گذار بر توسعه‌های شهری (داوودپور و اردلان، ۱۳۹۰).

تحقیقاتی که بر حاشیه نشینی، توسعه فیزیکی و افقی شهر و توسعه شهری مبتنی بر پراکنده‌روی تمرکز نموده‌اند (تقوایی و سرایی، ۱۳۸۵؛ موحد و تقی‌زاده، ۱۳۸۸؛ بابایی‌اقدم و همکاران، ۱۳۸۶؛ قرخلو و همکاران، ۱۳۹۰؛ شمس و حجی‌ملایی، ۱۳۸۸؛ مظفری و اولی‌زاده، ۱۳۸۷؛ جباری و همکاران، ۱۳۸۹؛ کرم و محمدی، ۱۳۸۸؛ ثروتی و خضری، ۱۳۸۸)، عموماً در راهکارهای پیشنهادی خود به افزایش تراکم‌ها در نواحی درونی شهری اشاره داشته‌اند. افزایش تراکمی که مطالعات مذکور مد نظر دارند با افزایش تراکم مورد انتظار رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری کاملاً متفاوت است. در طرح‌های اختلاط کاربری، افزایش تراکم، معیاری است برای ترکیب دو یا چند کاربری در یک ساختار ترکیبی، اما در مطالعات فوق، افزایش تراکم بیشتر با هدف جلوگیری از توسعه فیزیکی شهری پیشنهاد شده است.

مطالعاتی نیز هستند که محور خود را بر تحقیق پیرامون پراکنده‌روی و تاثیر آن بر توسعه پایدار شهری و حاشیه نشینی شهری گذاشته‌اند نظیر آنچه که تقوایی و سرایی (۱۳۸۵) در مورد شهر یزد و موحد و تقی‌زاده (۱۳۸۸) در مورد شهر اهواز انجام داده‌اند. این مطالعات با اینکه تحلیل مناسب و درستی از توسعه افقی شهری ارائه نموده اما به همین بسنده کرده‌اند و نتایج آنها صرفاً در آمار و ارقامی از توسعه فیزیکی - افقی نمونه‌های موردی مورد مطالعه خود، خلاصه می‌شوند. بنابراین، در این مقالات، رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری که یکی از راهکارهای مقابله با پراکنده‌روی شهری محسوب می‌شود، نه تنها معرفی نشده و حتی به عنوان پیشنهاد برای فرار

دارند که اقتصاد شهری پویا، مدیریت شهری کارآمد و محیط شهری با کیفیت را فراهم می‌آورد. در بسیاری از پژوهش‌ها که با هدف ترسیم فرایند برنامه‌ریزی شهری، توسعه شهری مدرنیستی و تاثیرات آن بر شکل توسعه شهری ایران تهیه شده‌اند (حسین زاده دلیر و ولی‌بیگی درویشوند، ۱۳۸۹؛ حبیبی و جابری مقدم؛ ۱۳۸۴؛ شماعتی، ۱۳۸۲؛ حبیبی و اهری، ۱۳۸۵؛ محمدزاده، ۱۳۸۸؛ لطفی، ۱۳۸۳؛ یزدانی و پوراحمد، ۱۳۸۶)، سابقه برنامه‌ریزی شهری مدرنیستی به خوبی در توسعه شهری ایران نشان داده شده است. ترجیح‌بند اصلی این تحقیقات را گلابیه از تاثیرات مدرنیسم بر توسعه شهری و شهرسازی معاصر ایران تشکیل می‌دهد. گلابیه‌هایی نظیر بافت‌های شهری در حال نابودی، مسکن و فضاهای شهری در حال فروپاشی، مشارکت‌های اجتماعی کاهش یافته و ... (محمدزاده، ۱۳۸۸).

آنچه که در این تحقیقات، برجسته می‌نماید این است که آنها در مرحله‌بندی نظری از روند شکل‌گیری رویکردهای مدرنیستی در برنامه‌ریزی شهری بسیار موفق عمل کرده‌اند، اما اسمی از پارادایم‌های جدید توسعه شهری و اصول آنها به عنوان رویکردهای جایگزین به میان نیامده است. یا این که پاره‌ای از تحقیقات اگرچه بر آسیب‌شناسی طرح‌های توسعه شهری (پور احمد و همکاران، ۱۳۸۵) ایران تمرکز نموده‌اند اما به رویکردهای جدید توسعه شهری نظیر رشد هوشمند شهری، پارادایم نوشهرگرایی و توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها به عنوان جایگزینی برای توسعه‌های شهری جاری، اشاره ننموده‌اند. اما حسین‌زاده‌دلیر و درویشوند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "برنامه‌ریزی شهری از نگاه ساختارشنکی"، از مفهوم ساختارشنکی به عنوان یک تئوری تفسیر متون استفاده می‌کنند و شهر و برنامه‌ریزی شهری را مورد بازبینی

می‌دهد که رویکرد مذکور سعی در برقراری تعامل میان برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری دارد (عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵). جریان‌ها و پارادایم‌های مشابهی بر روند نظری هر دو رویکرد تاثیر گذار بوده‌اند از جمله منشور آتن، باغشهرها، واحدهای همسایگی، پست مدرنیسم، نوشهرگرایی و توسعه پایدار شهری. خواستگاه رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور به سال‌های پایانی قرن بیستم برمی‌گردد و ریشه در توسعه شهری مبتنی بر اختلاط کاربری دارد. چراکه با مطرح شدن توسعه ترکیب کاربری‌های شهری، توجه به طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی شهری، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. این مطالعه در پرداختن به رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری به همین مقدار بسنده و صرفاً به تاثیر این رویکرد بر برنامه‌ریزی شهری طراحی محور اشاره می‌کند.

مطالعات متعددی هستند که توسعه شهری با رویکرد مشارکتی^۱ CDS را در کانون تحلیل‌های خود قرار داده‌اند و CDS را به عنوان رویکردی نوین در برنامه‌ریزی شهری معرفی نموده‌اند که هدفش کاهش فقر شهری، توسعه پایدار، ایجاد مشارکت و حکمرانی مطلوب شهری است (اشرفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمی نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۰؛ حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۰؛ اشرفی و ملک‌زاده، ۱۳۸۹؛ اشرفی، ۱۳۸۸). این مقالات بیشتر امکان‌سنجی اجرای راهبرد CDS را در نظام مدیریت شهری ایران مورد مطالعه قرار داده‌اند. وجه مفهومی مشترک این مطالعات با رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری در این است که هر دو رویکرد، توسعه شهری دستوری (طرح‌های جامع) و از بالا به پایین را مورد انتقاد قرار می‌دهند و نوعی از توسعه شهری را مورد انتظار

(تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ قصری و همکاران، ۱۳۹۰). این مطالعات ۲۴.۴ درصد مقالات را به خود اختصاص داده‌اند اما بسیاری از آنها به مکان‌یابی و تخصیص فضای شهری به یک یا چند کاربری مختلف و مورد نیاز شهر پرداخته‌اند (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۹؛ وارثی و همکاران، ۱۳۸۷؛ ابراهیم‌زاده و عبادی‌جوکنان، ۱۳۸۷؛ ضرابی و همکاران، ۱۳۸۹؛ تقوایی، ۱۳۸۹؛ تابان و همکاران، ۱۳۸۷؛ مستوفی‌الممالکی و رستم‌گورانی، ۱۳۸۸؛ مزیدی و صفرزاده، ۱۳۹۰؛ رهایی و قائم‌مقامی، ۱۳۹۰؛ قرخلو و فرجام، ۱۳۹۰؛ هوشیار، ۱۳۹۰؛ فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۰؛ ولی‌زاده، ۱۳۸۶؛ زیاری و زرافشان، ۱۳۸۵). هدف بیشتر این تحقیقات، ارزیابی توسعه فیزیکی و کالبدی شهرها است که به تبع افزایش جمعیت، تغییر می‌یابند. همچنین آنها کاربری اراضی مورد نیاز شهر که بازهم به دلیل رشد جمعیت شهری، دچار عدم توازن و تعادل می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌دهند.

عمده نتایج این تحقیقات در راهکارهایی چون جلوگیری از گسترش شهر و حفظ اراضی پیرامون آن، تعادل در کاربری اراضی و توجه به معیارهایی از قبیل سازگاری، ظرفیت و مطلوبیت، وابستگی کاربری‌ها و اختصاص اراضی خالی درون بافت به کاربری‌های مورد نیاز خلاصه می‌شوند. نزدیک‌ترین موضوع در این تحقیقات با بعضی اصول رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها، اشاره آنها به وجود طیفی از کاربری‌ها در نقاطی از شهر و توسعه فضاهای خالی و درونی شهر است. بعضی از تحقیقات، مانند آنچه که پوراحمد و همکاران (۱۳۸۸) انجام داده‌اند کمی نزدیکتر شده‌اند و نقش کاربری اراضی شهری را در تجلی تظاهرات اجتماعی و تعاملات اداری و اقتصادی، تحلیل نموده‌اند و نتیجه می‌گیرند که مجموعه‌ای فشرده و متنوع از

قرار می‌دهند تا با تحلیل روابط سلسله مراتبی موجود بین فعالیت‌های گوناگون کاربری اراضی و بین تخصیص‌های گوناگون کاربری اراضی، ارائه نسخه‌های از پیش تعیین شده کاربری اراضی شهری را مورد انتقاد قرار می‌دهند. ایشان این ایده که ساختار منحصر به فرد و خردگرایانه می‌تواند ماهیت شهرها را توضیح و تفسیر دهد، رد می‌کنند و معتقدند که سلسله مراتب‌های متفاوتی می‌بایست در برنامه‌ریزی شهری برای دستیابی به اهداف متفاوت در مکان‌های متفاوت، اجازه داده شود (حسین‌زاده دلیر و ولی‌بیگی‌درویشوند، ۱۳۸۹). این نگاه با ایده ساختار شکنانه رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها که در مقابل توسعه شهری مبتنی بر منطقه-بندی مدرنیستی به میان آمد، نقاط مشترکی دارد از جمله توجه به تفاوت‌های مکانی و نقد برنامه‌ریزی شهری عقلانی و جامع.

- محور کاربری اراضی شهری، مکان‌یابی و

تخصیص زمین به کاربری‌های شهری

تحقیقات گسترده‌ای هستند که عموماً به ارزیابی چگونگی کاربری اراضی شهری، بررسی دیدگاه‌های نظری و روند عملی چگونگی کاربری اراضی شهری در ایران پرداخته‌اند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹؛ زیاری و حسین‌مردی، ۱۳۸۸؛ ضرابی و همکاران، ۱۳۸۸؛ مومنی و همکاران، ۱۳۸۹؛ زنگی‌آبادی و وفایی، ۱۳۸۸؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۸؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۹؛ موحد و صمدی، ۱۳۹۰؛ ابراهیم‌زاده و حبیب‌زاده‌لمسو، ۱۳۸۹؛ علی‌اکبری و عمادالدین، ۱۳۹۱؛ حسین‌زاده‌دلیر و ملکی، ۱۳۸۶؛ فرهودی و همکاران، ۱۳۸۵؛ حسین‌زاده‌دلیر و همکاران، ۱۳۸۹؛ روستایی، ۱۳۹۰؛ پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴؛ وارثی و همکاران، ۱۳۸۶). برخی نیز به تحلیل رابطه بین کاربری اراضی و آسیب‌های اجتماعی نظیر کاهش جرائم پرداخته‌اند

(۱۳۹۰) ارائه می‌دهند بسیار نزدیک است و یکدیگر را تایید می‌کنند. بنابراین تهیه و اجرای طرح‌های اختلاط کاربری که جنب و جوش کارکردی به فضاهای شهری در طول شبانه روز را به همراه داشته باشد و ترکیب و تنوعی از شهروندان را در ساعات مختلف شبانه روز و برای مقاصد متفاوت، گرد هم آورد، یکی از راه‌کارهای اساسی در کاهش جرائم و نا امنی‌های شهر خواهد بود که مد نظر رویکرد اختلاط کاربری نیز است.

- محور بازسازی و نوسازی شهری

یکی دیگر از مفاهیم و کلید واژه‌هایی که در ردیابی رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری در ادبیات دانشگاهی برنامه‌ریزی و توسعه شهری ایران، می‌تواند به کارآید، مفاهیمی هستند که بازسازی و نوسازی شهری را در بر می‌گیرند. ۸.۱ درصد مقالات در این رابطه تهیه شده‌اند که البته همه آنها به لحاظ مفهومی به رویکرد توسعه شهری مبتنی بر اختلاط کاربری، شباهت‌هایی هرچند جزئی، ندارند. بنابراین، برخی از آنها که تمرکز آنها بر تحلیل و ارزیابی بافت‌های بازسازی و نوسازی شده شهری از منظر استقرار کاربری‌های مناسب شهری (شعبانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ پیربابایی و کرمی، ۱۳۹۰؛ رهنما، ۱۳۸۷)، روش و رویکردهای مداخله در بافت (پوردیهیمی، ۱۳۸۸)، اهمیت بافت‌ها در حیات اجتماعی و اقتصادی شهر (حسین‌زاده‌دلیر و جوادی‌اشکلک، ۱۳۸۵؛ شمعی و پوراحمد، ۱۳۸۳)، احیاء ارزشهای کهن و سنتی و هویت شهر ایرانی در بازسازی‌های شهری (پورزرگر، ۱۳۹۰؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۳؛ حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۷؛ نگارستان و همکاران، ۱۳۸۹) و لزوم بازسازی فضاهای ناکارآمد و فرسوده شهری (برک‌پور و بهرامی، ۱۳۹۰) بوده است، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

کاربری‌ها در یک مکان نظیر بافت‌های مرکزی، می‌توانند آن تظاهرات و تعاملات را ایجاد نمایند. علی‌اکبری و عمادالدین (۱۳۹۱) در تحقیق خویش راهکارهایی برای تعادل بخشی در توزیع کاربری‌ها، رفع کمبودهای خدماتی و افزایش میزان سازگاری کاربری‌های شهر گرگان را ارائه می‌دهند که از طریق آنها همپوندی میان کالبد و کارکردهای شهر افزایش می‌یابد. یکی از این راهبردها، توسعه کاربری‌های مختلط مورد نیاز از جمله تفریحی، فرهنگی و ورزشی است. از این حیث این تحقیقات در مقایسه با سایر تحقیقاتی که بر کاربری اراضی تمرکز داشته‌اند، سنخیت بیشتری با رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری دارند.

آن دسته از تحقیقاتی که رابطه بین کاربری اراضی و نا امنی شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند، نتایج جالب توجهی را ارائه داده‌اند که می‌توان از آنها این استنباط را داشت که نا امنی شهری با استقرار طرح‌های اختلاط کاربری به شدت کاهش می‌یابد. چراکه به دلیل تنوع کاربری‌ها و پاسخگویی آنها به نیازهای ۲۴ ساعته شهروندان، همیشه چشم‌های ناظر و اتفاقی در فضاهای عمومی شهر در حال رفت و آمد یا فعالیت هستند. به عنوان مثال تقوایی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خویش، نتیجه می‌گیرند که بین تعطیلی برخی فعالیت‌های پیرامونی فضاهای شهری با نزدیک شدن به شب و افزایش جرائم و نا امنی‌های شهری رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین تابان و همکاران (۱۳۸۷) بررسی عمیقی پیرامون طراحی مسکونی پایدار با تاکید بر همپوشانی مرز فضاهای عمومی و خصوصی، دارند. ایشان تاکید می‌کنند که فضاهای مذکور بایست قابلیت برآوردن نیازهای ساکنین، کنترل و نظارت بصری بر فعالیت کودکان و برآوردن امنیت اقتصادی و اجتماعی را داشته باشند. این نتایج به آنچه که قصری و همکاران

اساسی‌ترین اصل آن یعنی رویکرد اختلاط کاربری شهری به دنبال آن است.

پوردیپیمی (۱۳۸۰) در احیاء فضاهای شهری، نگاهی زیست محیطی را ارائه می‌دهد که با برخی از اهداف رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری نظیر طراحی پیاده محور فضاهای شهری یا تنوع و ترکیب کاربری‌ها به منظور کاهش سفر، مشابهت‌های مفهومی فراوانی دارد. ایشان بیان می‌دارد که در طراحی شهرها و همچنین در توسعه و اصلاح ساختار قدیمی آن‌ها، توجه به دیدگاه‌های زیست محیطی و انرژی باید از اهم موضوعات قرار گیرد. زیرا وضعیت رو به پایان انرژی، آلودگی‌های زیست محیطی و تبعات آن به مرحله ای رسیده که بی توجهی به آنها، فاجعه‌های جبران ناپذیری را که هم اکنون شروع شده، تشدید خواهد کرد.

پژوهشگرانی هستند که نتایج منفی بازسازی شهری را برشمرده‌اند و دغدغه‌های مشترکی با رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها دارند. به عنوان مثال پیربابایی و کرمی (۱۳۹۰) در ارزیابی طرح نواب، بیان می‌کنند که برخی از طرح‌های بازسازی شهری، نه تنها محیطی دوستانه، پیاده محور و پر جنب و جوش را فراهم نیاورده‌اند بلکه عوارضی چون بد مسکنی، ناخوشایندی بصری، کمبود خدمات و تسهیلات، فقدان امنیت و آسایش، فرهنگ ناهمگون و فقدان تعاملات اجتماعی، از دست دادن مالکیت و فقدان مشارکت اجتماعی مالکان در ساخت را نیز در پی داشته‌اند.

- نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری

در این قسمت از بررسی پیشینه رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری در ادبیات داخل، تلاش می‌شود تا با مطالعه پژوهش‌های داخلی انجام شده در زمینه نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری، بتوان تفکر و ایده توسعه شهری مبتنی بر اختلاط کاربری را مورد

از اینرو در تحقیقاتی که به احیای ارزش‌های گذشته در بازسازی شهری توجه نموده‌اند می‌توان به گزاره‌هایی چون همپوندی کاربری‌های تجاری - تولیدی و کاربری مسکونی در فضاهایی میان عنصر بازار و محله‌های مسکونی در کنار گزاره‌های دیگری نظیر جدایگزینی کاربری‌های سیاسی - حکومتی و کاربری مسکونی (علی‌اکبری، ۱۳۸۳)، دست پیدا نمود. اگرچه این گزاره‌ها بیشتر وظیفه تحلیل ساختار شهر ایرانی-اسلامی را بر عهده دارند اما شاید بتوان استنباط نمود که در پویا شهرنشینی سنتی ایرانی، می‌توان رویکرد اختلاط کاربری را پیدا نمود. این نکته را می‌توان در پژوهش پورزرگر (۱۳۹۰) نیز مشاهده نمود که نتیجه می‌گیرند محله‌های شهرهای سنتی ایرانی از این جهت به صورت هویتی مستقل عمل می‌کردند که واحدی اداری، تجاری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در دل خود شکل می‌دادند.

بعضی از محققان معتقدند که پس از تأییراتی که مدرنیسم به حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری ایران وارد آورد، احیاء ارزش‌های گذشته در طراحی عناصر شهری، توانسته است تفاوت‌هایی را با معیارها و اصول طراحی شهرسازی مدرنیسم به وجود بیاورد. به عنوان مثال ذکاوت (۱۳۸۲) بیان می‌کند که معماری نوگرای ایران با توجه به اصول تشکل فضایی، سعی در تقویت ارزش‌های سیمای شهر دارد که به عنوان یک سیاست اجرایی در تحکیم ارزش‌های مورفولوژیک، نظم فضایی و هویت سیمای شهری ایرانی حایز اهمیت و توجه است. این پدیده بر زمینه‌های عملکردی نیز توجه داشته و مفاهیم حوزه عمومی و فعالیت‌های شهری را متناسب با موقعیت شهری آن مورد تشویق قرار داده است. بنابراین، شاید بتوان ادعا نمود که معماری نوگرای ایرانی با تأثیر از ارزش‌های شهرسازی گذشته و سنتی، فضای شهری را خلق نماید که امروزه پارادایم نوشهرگرایی و

پدیده‌های جدیدی در فرایند شهرسازی از قبیل طراحی محله‌های مسکونی، شبکه راه‌ها و مکان‌های همگانی مواجه می‌شوند بلکه به سوی مجازی کردن قالب فرایند شهرسازی نیز پیش می‌روند، چراکه فرم و فضاها‌ی شهری، قالب‌های هندسی، ادراکی و مفهومی جدیدی پیدا می‌کنند.

طیبیان و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "معرفی مبانی نظری الگوی تعیین محدوده‌های همگن عملکردی راهی برای اصلاح برنامه‌های کاربری زمین شهری در ایران"، با اشاره‌ای گذرا به سابقه برنامه‌ریزی شهری در ایران و اشکالات و نقائص آن، هم از نظر تهیه و هم از نظر اجرا، ضرورت اصلاح این روند را پیش می‌کشند که از درون پارادایم‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری جدید، جستجو می‌شود. ایشان برای اصلاح روند مذکور، اتخاذ رویکردی ترکیبی و گام به گام در تدوین الگوی محدوده‌های همگن عملکردی در شهرهای ایران را موثرترین راهکار می‌دانند. ایشان با پذیرش این که پارامترهای محوری در توسعه پایدار (محیط زیست، اقتصاد و عدالت) به تنهایی برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در کاربری زمین، کافی نیستند، اضافه نمودن مبانی ارزشی دیدگاه نوشهرسازی (زیست‌پذیری و اقتصاد متنوع) به نظام برنامه‌ریزی شهری کشور را پیشنهاد می‌دهند تا از چالش‌های پیش روی توسعه پایدار شهری کاسته شود (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۸). به نظر می‌آید که ایشان با کمک رویکرد ترکیب کاربری زمین، سعی در همپوشانی دیدگاه‌های توسعه پایدار شهری و نوشهرسازی برای رفع چالش‌های منحصر به فرد هر یک از آنها در توسعه شهری دارند. ایشان چالش‌مدیریتی را اصلی‌ترین چالش فرا روی موفقیت رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری می‌دانند که در هر دو دیدگاه توسعه پایدار و نوشهرگرایی نیز موجود است

مکاشفه قرار داد. تعداد ۱۹ مقاله برای این منظور انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب آنها نیز این بوده است که مفاهیم و واژگان کلیدی مشترکی با توسعه ترکیب کاربری‌های شهری دارند. مقالات مورد بررسی، گستره‌ای از مباحث و نظریات نو در توسعه شهری و شهرسازی را مورد مطالعه قرار داده‌اند از جمله رشد هوشمند شهری (بهزادفر، ۱۳۸۲)، معرفی اصول و محورهای نوشهرسازی و توسعه پایدار در توسعه شهری و تاثیر آنها بر گونه‌های کاربری اراضی شهری (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۸؛ اصغری‌زاده‌یزدی، ۱۳۸۹؛ معینی، ۱۳۸۵؛ قربانی و نوشاد، ۱۳۸۷؛ بهزادفر و ذبیحی، ۱۳۹۰؛ عباس‌زاگان و همکاران، ۱۳۹۰)، چالش‌های پیش روی شهرسازی و توسعه شهری ایران در دوران معاصر متاخر (براتی، ۱۳۸۵)، قرابت و شباهت‌های دیدگاه‌ها و نظریات نو در توسعه شهری با نمونه‌های تاریخی موجود در پویش شهرنشینی ایرانی - اسلامی (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰). بعضی از تحقیقات نیز اگرچه به طور مشخص، نظریات نو در برنامه‌ریزی شهری و توسعه شهری معاصر را مورد پژوهش انجام نداده‌اند اما سوگیری نظری و مفهومی آنها به گونه‌ای است که می‌توان آنها را نزدیک به رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری دانست (حاتمی‌نژاد و یوسفی، ۱۳۸۸؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵؛ کاشانی‌جو و مفیدی‌شمیرانی، ۱۳۸۸؛ سلطانی و اطمینانی‌قصرالدشتی، ۱۳۸۹؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸؛ حاجی‌پور، ۱۳۸۵).

تحقیقاتی که رشد هوشمند شهری را به عنوان موضوع مطالعه خود قرار داده‌اند از جنبه‌های گوناگون این الگو را توضیح داده‌اند. به عنوان مثال بهزادفر (۱۳۸۲) در تحقیق خویش با مطالعه زمینه‌های پیدایش شهر اطلاعاتی و بررسی فعالیت‌های مردمی در عصر اطلاعات و ارتباطات دیجیتال، نتیجه می‌گیرند که برنامه‌ریزیان و طراحان شهری نه تنها با

آن می‌توان الگوهای کارآمد تری را حیطه اجرای طرح‌های کاربری اراضی، تولید نمود و از عوارض چالش‌ها کاست. جدول ۷ شکل‌گیری نظری این زمینه را نشان می‌دهد.

(طیبیان و همکاران، ۱۳۸۸) و ادامه می‌دهند که ترکیب دو دیدگاه مذکور به خودی خود نمی‌تواند در رفع این چالش، توفیق داشته باشد. بنابراین، نتیجه می‌گیرند که با ورود رویکرد اختلاط کاربری، زمینه افزایش توان مدیریت شهری فراهم می‌آید و از طریق

جدول ۷- چالش‌های دیدگاه‌های غالب معاصر و تاثیر رویکرد ترکیبی در کاهش عوارض آنها

چالش‌های معاصر	مبانی ارزشی دیدگاه‌ها	چالش‌ها	چالش رویکرد ترکیبی
پایداری	<ul style="list-style-type: none"> اکولوژی اقتصاد عدالت 	چالش مربوط به منابع	۱- ۲- ۳- ۴- ۵-
نوسازسازی	<ul style="list-style-type: none"> زیست پذیری اقتصاد پر جنب و جوش 	چالش مربوط به توسعه	

ماخذ: طیبیان و همکاران (۱۳۸۸)

حیبی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را در این خصوص انجام داده‌اند که تصور و تصویری کم و بیش روشن از قرابت‌های اصول و قواعد توسعه شهری ایرانی - اسلامی (به طور مشخص مکتب شهرسازی اصفهان) با دو جنبش نوشهرگرایی و هسته‌های سازمند شهری^۱ را بازخوانی نموده است. یافته‌های پژوهشی ایشان نشان داده است که بین انگاره‌های مکتب شهرسازی اصفهان و اصول و قواعد نظریه‌های معاصر شهرسازی - به طور خاص نوشهرگرایی و هسته‌های سازمند شهری - تفاوت‌هایی اندک و قرابت‌های بی‌شماری وجود دارد. این تحلیل مقایسه‌ای، نشان داده است بیش از آنکه تعارض و تضاد بین پوشش توسعه شهری بومی و شهرسازی معاصر دنیا وجود داشته باشد، قرابت و همسویی این دو است که برجسته می‌نماید. این امر به دلیل ریشه داشتن ذات مفهوم پایداری شهری و نوشهرگرایی در سویه‌ها و ویژگی‌های شهر سنتی ماقبل مدرن ایران است (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰). در این پژوهش برای اینکه مقایسه فوق، دقیقتر انجام شود، ابتدا معروفترین الگوهای توسعه کاربری اراضی

طیبیان و همکاران (۱۳۸۸) الگویی عملی از کاربری اراضی را به نمایش می‌گذارند که رویکرد اختلاط کاربری در نظام بخشیدن به اطلاعات کاربری اراضی این الگو، اساس طراحی مکانی را به دست می‌گیرد و خود را در قالب محدوده‌های همگن عملکردی شهری متجلی می‌سازد. این الگو سه راهبرد مبنایی زیر را برای بهبود وضعیت برنامه کاربری اراضی شهری در ایران دنبال می‌کند:

- شناخت هدفمند و واقعی از وضعیت موجود فرم، فضا و فعالیت در هر قطعه زمین شهری؛
 - اصلاح و بهبود شرایط نابسامان کنونی از طریق روش‌های گام به گام؛
 - در اختیار قرار دادن اطلاعات مربوط به برنامه کاربری اراضی شهری برای عموم شهروندان.
- در ادامه بررسی تحقیقات داخلی پیرامون نظریات نو که با هدف جمع‌بندی پیشینه داخلی تحقیق در مورد رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری انجام شده است به مواردی برخورد شده است که قرابت و شباهت‌های دیدگاه‌ها و نظریات نو در توسعه شهری را با نمونه‌های تاریخی موجود در پوشش شهرنشینی ایرانی - اسلامی، مورد پژوهش و واکاوی قرار داده‌اند.

1 - Urban Village

داده است (عباس‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۰) و نتیجه می‌گیرد که مسیرهای حمل و نقل عمومی در شهر تهران، ویژگی‌های توسعه بر مبنای حمل و نقل عمومی را دارا نیستند و بعضاً در تضاد با مفهوم محله قرار دارند (عباس‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۰). این پژوهش اگرچه در ارائه راهکار برای بهبود سکونت در محلات بلافصل ایستگاه‌های مترو، دقیقاً به رویکرد اختلاط کاربری اشاره نمی‌کند اما مشخصاً چیدمان، نوع و تنوع کاربری اراضی پیرامون ایستگاه‌ها را به عنوان چالش اصلی، می‌بیند و راهکارهایی را در راستای بهبود وضعیت آنها ارائه می‌دهد.

- مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری

یکی از اهداف توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها، خلق مرکز تجاری شهری پر جنب و جوش و استقرار مراکز خرید شهری است که بتوانند تنوعی از فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز شهروندان را فراهم آورند و تعاملات اجتماعی و مراودات مدنی را افزایش دهند. مقالات فارسی که با این رویکرد به تجزیه و تحلیل مراکز تجاری پرداخته باشند، بسیار محدودتر از سایر زمینه‌ها هستند. اما هستند مقالاتی که گونه‌شناسی مراکز تجاری و سیاست‌های جهانی پیرامون آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند (صالحی‌واسکسی و همکاران، ۱۳۸۸)، یا خلق مراکز و فضاهای شهری سرزنده با تاکید بر مرکز خرید پیاده (خستو و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۹) و شاخص‌های تاثیر گذار بر الگوی رفتار عابرین پیاده در آن فضاها را مورد پژوهی نموده‌اند (معینی، ۱۳۸۶).

تلاش برخی از این پژوهش‌ها بر این بوده است تا با توجه به اهمیت فعالیت خرید و همچنین نقش پیاده روی در کیفیت زندگی شهروندان در قالب مفهومی تحت عنوان مراکز خرید، بتوان ارتباط موثری

که جنبش نوشهرگرایی تولید نموده است یعنی الگوی توسعه واحدهای همسایگی سنتی^۱ و الگوی توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل عمومی^۲ به خوبی تشریح شده‌اند و در نهایت با بازخوانی مکتب شهرسازی اصفهان، اشتراکات این جریان‌ها مشخص شده‌اند.

بهادفر و ذبیحی (۱۳۹۰) اخیراً یکی از رویکردهای نو در توسعه شهری یعنی توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل عمومی-محور را مورد معرفی قرار داده‌اند. یکی از اصول اساسی این رویکرد، استفاده از اصل اختلاط کاربری در طراحی مکان‌ها یا مجموعه‌ای توسعه‌ای است که در مجاورت ایستگاه‌ها یا نقاط تمرکز شبکه حمل و نقل عمومی، ساخته می‌شوند. این پژوهش تاکید می‌کند که توجه به اصل اختلاط کاربری در طراحی‌ها، باعث جذب عابرین پیاده در محل‌های مبدا مقصد و در نهایت موجب درونی شدن سفرهای شهری می‌شود. در این پژوهش الگوهای اختلاط کاربری که می‌توانند در کنار مراکز حمل و نقل عمومی احداث شوند، مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ادامه تنوع کاربری‌ها و میزان سازگاری آنها با فعالیت حمل و نقل عمومی نیز مورد معرفی قرار گرفته‌اند. در راستای این پژوهش، مطالعه دیگری انجام شده است که ساخت و سازهای مجاور ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در تهران - به طور خاص ایستگاه‌های مترو حدفاصل دانشگاه شریف تا علم و صنعت - را از منظر توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی‌گرا، مورد بررسی قرار داده است (عباس‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۰). این پژوهش تاکید می‌کند که وجود مترو در محلات تهران نه تنها در ایجاد محلات جذاب، انسان - محور و مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار، موثر نبوده است بلکه مشکلات ترافیکی و اجتماعی محلات را نیز افزایش

1 - Traditional Neighborhood Development

2 - Transit - Oriented Development

رسیده‌اند، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش در دو قسمت عمده کمی و کیفی تدوین و ارائه گردید که به نتایج قابل توجهی نیز دست پیدا نمود. اهم نتایج و تفسیر آنها را می‌توان این گونه بیان داشت که در توصیف کمی وضعیت مقالات تولید شده مشخص شد که از بین ۱۳۵ مقاله مورد بررسی ۴۳ مورد یا ۳۲ درصد آنها به موضوع برنامه‌ریزی و توسعه شهری، ۸.۱ درصد به بازسازی و نوسازی شهری، ۲۴.۴ درصد به کاربری اراضی شهری و مسائل مرتبط به آن، ۱۹.۳ درصد به موضوع فضاهای عمومی و شهری، ۲.۲ درصد به مراکز تجارت و خرید شهری و ۱۴.۱ درصد به نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری پرداخته‌اند. از بررسی اجزا و عناصر اصلی تشکیل دهنده محتوای مقالات نیز مشاهده می‌شود که دو مقاله از کلید واژه‌های توسعه ترکیبی یا اختلاط کاربری استفاده نموده‌اند و صرفاً یک مقاله در روش کار با رویکرد توسعه ترکیبی شباهت دارد. همچنین در بررسی مربوط به "قربان مطالعات با رویکرد ترکیب کاربری‌ها در نتیجه‌گیری کلی" مشخص شد که وضعیت کمی بهتر است. چراکه ۲۶ مقاله در نتیجه‌گیری‌های خود به صورت غیر مستقیم به رویکرد ترکیب کاربری‌های اشاره نموده‌اند. این امر بیانگر وجود دغدغه در خصوص پرداختن بیشتر به این رویکرد در اطلاع نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری ایران است. نکته قابل توجه در این قسمت، ترکیب گرایش نویسندگان است زیرا از مجموع ۲۶ نویسنده مسئول، گرایش علمی ۷ نفر آنها جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۳ نفر معماری، ۱۲ نفر شهرسازی و ۴ نفر طراحی شهری بوده است. اما موضوع مهم در این است که از مجموع ۲۶ مقاله فقط ۸ مورد آن طبقه‌بندی موضوعی‌شان، نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری و

میان فعالیت خرید، ایمنی و سرزندگی شهری یافت (خستو و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۹). به عنوان مثال معینی (۱۳۸۶) در بررسی راسته تجاری خیابان ستارخان نتیجه می‌گیرد این است که اگرچه این خیابان از نظر تجاری، عملکرد بسیار قوی دارد اما با یک فضای سرزنده شهری بسیار فاصله دارد. معینی (۱۳۸۶) در پاسخ به این عدم سرزندگی، بر شناخت شاخص‌های تاثیر گذار بر افزایش پیاده روی در مراکز خرید شهری تاکید می‌کند و نشان می‌دهد که شاخص‌های فیزیکی و فرم ساختارها در محیط‌های مسکونی و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در محیط‌های تجاری از عوامل موثر بر الگوی رفتار عابرین پیاده در مراکز شهری است. این نتایج به خوبی بر نقش رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری در ایجاد مراکز و هسته‌های شهری پر جنب و جوش و سرزنده، مهر تایید می‌گذارند و آشکار می‌سازند که به کارگیری رویکردهایی نو نظیر اختلاط کاربری، می‌توانند در تحقق‌پذیری اهداف طرح‌های توسعه شهری، چقدر کارگشا باشند.

۳- نتیجه‌گیری

رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌های شهری با اتکا به کاربری‌های اصلی و پایه‌ای شهری، از بین مفاهیم جدید توسعه شهری نظیر نوشهرگرایی، توسعه پایدار، ارتقاء رقابت‌پذیری کاربری‌های شهری و رشد هوشمند شهری، تولید شده است. هدف کلی طرح‌های توسعه ترکیبی شهری، بهبود رفاه اجتماعی و سلامت ساکنین شهری است. در مقاله حاضر تلاش شد تا جایگاه رویکرد مذکور در ادبیات برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشور مشخص شود تا زمینه‌های بومی سازی آن بیش از پیش فراهم آید. برای این منظور ۱۳۵ مقاله فارسی که در زمینه‌های گوناگون برنامه‌ریزی و توسعه شهری طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ تهیه و به چاپ

این شباهت مفهومی را می‌توان در نتیجه‌گیری مطالعاتی که ترکیب کاربری‌های مسکونی و مراکز فعالیت را به منظور کاهش سفرهای درون شهری پیشنهاد داده‌اند بهتر درک نمود، فهمی که برای بومی نمودن رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری در ایران بسیار کارساز خواهد بود.

در برخی از تحقیقاتی که روش‌ها و رویکردهای نو در طرح‌های توسعه شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند می‌توان زمزمه‌های ورود رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری را در ادبیات دانشگاهی ایران شنید. اما این مطالعه در پرداختن به رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری به همین مقدار بسنده کرده‌اند. به عنوان مثال بعضی از مقالات، نقش کاربری اراضی شهری را در تجلی تظاهرات اجتماعی و تعاملات اداری و اقتصادی، تحلیل نموده‌اند و نتیجه می‌گیرند که مجموعه‌ای فشرده و متنوع از کاربری‌ها در یک مکان نظیر بافت‌های مرکزی، می‌توانند تظاهرات و تعاملاتی را ایجاد نمایند که از منظر راهبردی، سنخیت بیشتری با رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری دارند.

در ادامه در تحقیقاتی که به احیای ارزش‌های گذشته در بازسازی شهری توجه نموده‌اند می‌توان به گزاره‌هایی چون همپوندی کاربری‌های تجاری - تولیدی و کاربری مسکونی در فضاهایی میان عنصر بازار و محله‌های مسکونی در کنار گزاره‌های دیگری نظیر جدایگزینی کاربری‌های سیاسی - حکومتی و کاربری مسکونی، دست پیدا نمود. اگرچه این گزاره‌ها بیشتر وظیفه تحلیل ساختار شهر ایرانی - اسلامی را بر عهده دارند اما شاید بتوان استنباط نمود که در پویش شهرنشینی سنتی ایرانی، می‌توان نطفه‌های رویکرد اختلاط کاربری را یافت.

در تحقیقاتی پیرامون نظریه نو در برنامه‌ریزی شهری پرداخته‌اند اگرچه به طور مشخص، رویکرد

یک مورد برنامه‌ریزی و توسعه شهری بوده است. همچنین مشخص شد که از مجموع مقالات مورد بررسی، ۱۰ مورد آنها در پارادایم فکری با رویکرد ترکیب کاربری‌های شهری شباهت دارند که از بین آنها ۸ مورد را پژوهشگران شهرساز و ۲ مورد را پژوهشگران جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تولید نموده‌اند.

نتایج کمی فوق نشان می‌دهند، علی‌رغم اینکه رویکرد توسعه شهری مبتنی بر ترکیب کاربری‌ها دو دهه‌ای است سکان برنامه‌ریزی و توسعه شهری را در آمریکای شمالی و بسیاری از شهرهای اروپایی در پاسخ به مشکلات کارکردگرایی شهری و طرح‌های مبتنی بر منطقه‌بندی به خود اختصاص داده است و با توجه به اینکه غالب طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری ما نیز از کارکردگرایی و منطقه‌بندی پیروی نموده‌اند، اما جای خالی مطالعه و تحقیق پیرامون آن در ادبیات دانشگاهی داخل کشور کاملاً حس می‌شود. در بررسی‌های کیفی از محتوای مطالب مقالات انتخابی، این مقالات در محورهای ششگانه فضاهای عمومی و شهری و تاثیر آنها بر کیفیت زندگی؛ برنامه‌ریزی و توسعه شهری؛ کاربری اراضی شهری؛ مکان‌یابی و تخصیص زمین به کاربری‌ها؛ بازسازی و نوسازی شهری؛ نظریه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری و مرکز تجارت شهری و مراکز خرید شهری، دسته‌بندی شدند تا بررسی و تحلیل آنها دقیقتر صورت پذیرد.

در خصوص پژوهش‌های صورت پذیرفته در ارتباط با فضاهای عمومی و شهری باید گفت اگرچه پژوهش‌های مذکور دقیقاً در ارتباط با رویکرد توسعه ترکیب کاربری‌های شهری، تهیه و تدوین نشده‌اند اما برخی از گزاره‌های به کار رفته در آنها با گزاره‌های رویکرد ترکیب کاربری شهری قرابت دارند و با اهداف توسعه‌ای این رویکرد نیز همپوشانی دارند.

ابراهیم‌زاده عیسی و عبادی‌جوگندان، (۱۳۸۷)، تحلیلی بر توزیع فضایی - مکانی کاربری فضای سبز در منطقه سه شهری زاهدان، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱: ۳۹-۵۸.

ابراهیم‌زاده عیسی، رهنما محمدرحیم و نگهبان‌مرویی محمد، (۱۳۸۳)، تحلیلی بر ضرورت شکل‌گیری و نقش شهر جدید گلپه‌ار در تمرکز زدایی از مادر شهر مشهد، صفا، شماره ۳۸: ۵-۲۲.

اسدالهی شیوا، (۱۳۷۹)، شهرگرایی نوین، به سوی معماری اجتماعی، صفا، شماره ۳۱: ۱۶ - ۳۹.

اشرفی یوسف، تیموری ایرج، فرهودی رحمت‌الله، جعفری مهرآبادی مریم و سالاروندیان فاطمه، (۱۳۸۹)، استراتژی توسعه شهری (CDS) بستری مناسب جهت بهره‌مندی از برنامه ریزی مشارکتی، جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۳۳: ۱ - ۳۳.

اشرفی یوسف، (۱۳۸۸)، CDS رویکردی جدید در برنامه ریزی شهری در رویکردی تحلیلی، مدیریت شهری، شماره ۳۳: ۸۹ - ۱۰۵.

اشرفی یوسف و ملک‌زاده علی، (۱۳۸۹)، چشم‌انداز سازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری (CDS) نمونه مورد مطالعه: شهر مراغه، مدیریت شهری، شماره ۲۵: ۱۶۹ - ۱۸۶.

اصغری‌زاده‌یزدی سارا، (۱۳۸۹)، اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه ریزی محله‌های شهری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۰: ۵۰-۶۳.

انصاری لاری احمد، صدری زاده مهین تاج، (۱۳۸۹)، نقش کاربری بهینه زمین در توسعه شهر لار، آمایش محیط، شماره ۹: ۷۹ - ۹۶.

بابایی‌ا قدم فریدون، حسین‌زاده‌دلیر کریم و صدرموسوی میرستار، (۱۳۸۹)، اکولوژی ازدحام شهری در حواشی تبریز، جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره ۹: ۱۶۱ - ۱۸۰.

براتی ناصر، (۱۳۸۵)، چالش‌های رودرروی شهرسازی در ایران در آستانه قرن ۲۱، باغ نظر، شماره ۵: ۲۹-۵.

برک‌پور ناصر و بهرامی صدیقه، (۱۳۸۹)، قابلیت‌سنجی توسعه مجدد در بافت‌های ناکارآمد شهری مطالعه

توسعه ترکیبی را به عنوان یک نظریه نو در برنامه‌ریزی و توسعه شهری معاصر مورد پژوهش انجام نداده‌اند اما سوگیری نظری و مفهومی آنها را می‌توان بسیار نزدیک به رویکرد توسعه ترکیبی دانست. حتی برخی از آنها با اشاره‌ای گذرا به سابقه برنامه‌ریزی شهری در ایران و اشکالات و نقائص آن هم از نظر تهیه و هم از نظر اجرا، ضرورت اصلاح این روند را پیش می‌کشند که از درون پارادایم‌های نوشهرسازی و رشد هوشمند شهری جستجو می‌شود. واژگان کلیدی به کار رفته در مقالات، نتیجه‌گیری‌ها و روش کار آنها نشان می‌دهد که جایگاه رویکرد جدید ترکیب کاربری‌های شهری در ادبیات دانشگاهی ایران بسیار نوپاست و به تازگی در کانون توجهات قرار گرفته است. همچنین پژوهشگران و گروه‌های درگیر در مسائل برنامه‌ریزی و توسعه شهری، تا کنون سهم متفاوت اما ناچیزی در توسعه ادبیات این رویکرد در داخل داشته‌اند و بیشترین سهم در این خصوص مربوط به پژوهشگران شهرساز و بعد جغرافی‌دانان بوده است. تحلیل محتوای مقالات به روشنی آشکار ساخت که عمده پژوهشگران لزوم استفاده از رویکرد توسعه ترکیبی شهری را در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشور ضروری می‌دانند.

منابع

آخوندی عباس، برک‌پور ناصر، اسدی ایرج، بصیرت میثم و طاهرخانی حبیب‌الله، (۱۳۸۷)، چشم‌انداز نظام حاکمیت منطقه کلان‌شهری تهران، هنرهای زیبا، شماره ۳۳: ۱۵-۲۶.

ابراهیم‌زاده عیسی و حبیب‌زاده‌لمسو کاظم، (۱۳۸۹)، تحلیل و ارزیابی کاربری اراضی روستا-شهر گلوگاه بابل با استفاده از GIS، پژوهش‌های جغرافیای انسانی شماره ۷۱: ۱-۱۸.

- موردی: محله انبار نفت منطقه ۱۱ تهران، شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴: ۱-۱۴.
- بهزادفر مصطفی، (۱۳۸۲)، ضرورت‌ها و موانع ایجاد شهر هوشمند در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۵: ۱۴-۲۷.
- بهزادفر مصطفی و ذبیحی مریم، (۱۳۹۰)، راهنمای برنامه سازی حوزه‌های شهری در چارچوب توسعه شهری مبتنی بر حمل و نقل عمومی، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۸: ۳۹-۵۰.
- پوراحمد احمد، حاتمی نژاد، حسین و حسینی سید هادی، (۱۳۸۵)، آسیب شناسی طرح‌های توسعه شهری در کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸: ۱۶۸-۱۸۰.
- پوراحمد احمد، سیفال‌دینی فرانک و نیک‌پور عامر، (۱۳۸۸)، بررسی کاربری اراضی در بخش مرکزی شهر آمل، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۱۶-۱: ۶۷.
- پورجعفر محمدرضا، فرزبود سولماز، (۱۳۸۶)، لزوم پیاده راه سازی از طریق تحلیل جریان آمد و شد پیاده در فضاهای شهری؛ مورد مطالعه: بافت مرکزی تجریش، صغه، شماره ۴۴: ۵۲-۶۵.
- پوردیهیمی شهرام، (۱۳۸۰)، نگاهی به آینده شهرها: بازیافت فضاهای شهری برای همسازی با طبیعت و جامعه، صغه، سال یازدهم، شماره ۳۳: ۲۸-۳۵.
- پوردیهیمی شهرام، (۱۳۸۲)، فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی، صغه، شماره ۳۶: ۳۶-۵۱.
- پورزرگر محمدرضا، (۱۳۸۹)، خانه، سنت و باززنده سازی محله جواباره در اصفهان، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۹: ۱۰۵-۱۱۷.
- پورمحمدی محمد رضا، جمالی فیروز و اضغری زمانی اکبر، (۱۳۸۷)، ارزیابی گسترش فضایی-کالبدی شهر زنجان با تاکید بر تغییر کاربری زمین طی دوره ۸۴-۱۳۵۵، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳: ۲۹-۴۶.
- پیربابایی محمدتقی و کرمی اسلام، (۱۳۹۰)، نارضایتی از مکان پیرامون بافت‌های بازسازی شده؛ نمونه موردی: بافت مسکونی پیرامون خیابان شهید نواب صفوی تهران، مدیریت شهری، شماره ۲۷: ۱۶۳-۱۸۲.
- پیلهور علی اصغر و پوراحمد احمد، (۱۳۸۳)، روند رشد و توسعه کلانشهرهای کشور مطالعه موردی: شهر مشهد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸: ۱۰۳-۱۲۱.
- پوردیهیمی شهرام، (۱۳۸۰)، نگاهی به آینده شهرها: بازیافت فضاهای شهری برای همسازی با طبیعت و جامعه، صغه، شماره ۳۳: ۲۸-۳۵.
- تابان محسن، وثیق بهزاد و کشتکارقلاتی احمدرضا، (۱۳۸۷)، طراحی مسکونی پایدار با استفاده از همپوشانی مرز فضاهای عمومی و خصوصی، مدیریت شهری، شماره ۲۱: ۹۱-۱۰۰.
- تقوایی مسعود، (۱۳۸۹)، تحلیلی آماری بر روند گسترش ناموزون کابری شبکه معابر در شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۴۰: ۱۹-۳۶.
- تقوایی علی اکبر، رفیعان مجتبی و رضوان علی، (۱۳۹۰)، تحلیل رابطه بین مولفه‌های کاربری زمین با کاهش جرایم و ناامنی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۱۹-۳۸: ۷۷.
- تقوایی مسعود و سرایی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، گسترش افقی شهر و ظرفیت‌های موجود زمین (مورد: شهر یزد)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵: ۱۳۳-۱۵۲.
- تقوایی علی اکبر و معروفی، سکینه، (۱۳۸۹)، ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛ مطالعه موردی مسجد امیر تهران، مدیریت شهری، شماره ۲۵: ۲۱۹-۲۳۴.
- ثروتی محمدرضا و خضری سعید، (۱۳۸۸)، بررسی تنگناهای توسعه فیزیکی شهر سنندج، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، شماره ۶۷: ۱۳-۲۹.
- جاجرمی کاظم و کلتی ابراهیم، (۱۳۸۵)، سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان؛ مطالعه موردی: گنبد قابوس، جغرافیای و توسعه ناحیه ای، پاییز و زمستان: ۵-۱۸.
- جباری ندا، ثروتی محمدرضا، حسین‌زاده محمدمهدی و توکلی‌نیا جمیله، (۱۳۸۹)، بررسی روند توسعه فیزیکی بخش شمال غرب شهر تهران مطالعه

مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷: ۶۳ - ۸۲

حبیبی سیدمحسن، تحصیلدار مهدی و پورمحمدرضا نوید، (۱۳۹۰)، شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵: ۳-۲۲.

حبیبی سیدمحسن و اهری زهرا، (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی ایران در ۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ هـ.ش، اولین پژوهش‌های نوآوری و دومین پژوهش‌های نوآوری: الگوی تهران، صفة، شماره ۴۲: ۴۰-۴۹.

حبیبی سیدمحسن و هادی جابری مقدم، مرتضی، (۱۳۸۴)، شهرگرایی و شهرسازی شتاب زده؛ الگوی فاوستی توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱: ۳۵ - ۴۶.

حبیبی سیدمحسن، (۱۳۸۰)، فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای، صفة، شماره ۳۳: ۴-۱۱.

حبیبی کیومرث، بهزاد فر مصطفی، مشکینی ابوالفضل، علیزاده هوشمند و محکی وحید، (۱۳۹۰)، ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفیت زندگی فضای شهر کهن ایرانی، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴: ۱۵ - ۲۸.

حسین‌زاده دلیر کریم، پورمحمدی محمدرضا و سلطانی علیرضا، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر در ناکارآمدی طرح‌های جامع شهری ایران، نمونه موردی: طرح جامع تبریز، جغرافیا و برنامه ریزی، سال پانزدهم، شماره ۳۱: ۱۳۱-۱۵۱.

حسین‌زاده دلیر کریم، سرور رحیم، بجانی حسین و احمدی توحید، (۱۳۸۹)، تحلیلی بر تحولات کاربری‌های اراضی شهر تبریز از دیدگاه توسعه پایدار طی سالهای ۸۳ تا ۸۷، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره ۲۸: ۴۱-۵۰.

حسین زاده دلیر کریم و جوادی اشکلک اردشیر، (۱۳۸۵)، اهمیت مرکز شهر و ضرورت توجه به آن و احیای آن، صفة، سال پانزدهم، شماره ۴۲: ۲۰-۳۹.

حسین زاده دلیر کریم، صدرموسوی میرستار، حیدری-چیاچه رحیم و رضاطبع سیده خدیجه، (۱۳۹۰)، درآمدی بر رویکرد جدید استراتژی توسعه شهری

موردی: حصارک، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال سوم، شماره ۱۰: ۳۳-۵۲.

جعفری علی و حبیب‌پور علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، ارزیابی اثرات توسعه شهرهای جدید بر محیط زیست مطالعه موردی: شهر جدید پردیس تهران، مدیریت شهری، شماره ۲۱: ۴۵-۵۸.

جمهیری محمود، ذبیحی حسین و ماجدی حمید، (۱۳۸۷)، نظام اجرایی حلقه مفقوده برنامه‌های شهری در ایران تحلیلی بر نظام اجرایی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره ۲: ۸۸ - ۹۸.

چرخچیان مریم، دانشپور سید عبدالهادی، (۱۳۸۸)، فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، باغ نظر، شماره ۷: ۱۹ - ۲۸.

چرخچیان مریم، دانشپور سید عبدالهادی، (۱۳۸۸)، بررسی مولفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو، جغرافیا و برنامه ریزی، سال چهاردهم، شماره ۳۰: ۵۳ - ۸۵.

حاتمی‌نژاد حسین و اشرفی یوسف، (۱۳۸۸)، دوچرخه و نقش آن در حمل و نقل پایدار شهری، نومه موردی: شهر بناب، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۰: ۴۵-۶۳.

حاتمی‌نژاد حسین و فرجی ملایی امین، (۱۳۸۹)، امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری (CDS) در ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۸: ۵۵ - ۷۶.

حاتمی‌نژاد حسین، فرهودی رحمت‌الله و محمدپورجباری محمدرضا، (۱۳۸۷)، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵: ۷۱-۸۵.

حاجی‌پور خلیل، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره ۲۶: ۳۷-۶.

حاجی‌نژاد علی، رفیعیان مجتبی و زمانی حسین، (۱۳۸۹)، بررسی متغیرهای فردی موثر بر رضایت مندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی؛ مطالعه موردی:

- رابتسون ک، آ، (۱۳۸۰)، راهبردهای توسعه پیاده‌روی برای برنامه ریزان مراکز شهری های عابر پیاده "فراگذرها - مال"، صفه، شماره ۳۲: ۹۰-۱۰۳.
- زبردست اسفندیار و جهانشاهلو لعلا، (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰: ۵-۲۲.
- زیاری کرامت‌الله، بشارتی فر صادق و رشیدی فرد سید- نعمت‌اله، (۱۳۸۹)، ارزیابی کاربری اراضی شهر دهدشت (استان کهگیلویه و بویر احمد)، آمایش محیط، شماره ۱۰: ۱-۲۲.
- رفیعیان مجتبی، تقوایی علی‌اکبر و حسین آبادی مصطفی، (۱۳۹۰)، سنجش ارزشهای کیفی فضاهای باز شهری با استفاده از مدل HPM محدوده مسکونی رود دره ولنجک، مدیریت شهری، شماره ۲۶: ۱۰۵-۱۱۸.
- رفیعیان مجتبی، خدایی زهرا، (۱۳۸۸)، بررسی شاخصها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸ شماره ۵۳: ۲۲۷-۲۴۸.
- رفیعیان مجتبی، سفیایی مهسا، (۱۳۸۴)، فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، هنرهای زیبا شماره ۲۳: ۳۴-۴۲.
- رهنمایی محمدتقی، پوراحمد احمد و یوسفی اشرف، (۱۳۹۰)، ارزیابی قابلیت‌های توسعه شهری مراغه با استفاده از مدل ترکیبی SWOT-ANP، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۹: ۷۰-۱۰۰.
- رفیعیان مجتبی، تقوایی علی‌اکبر و وحدانی حسن، (۱۳۸۸)، ظرفیت سنجی توسعه محله‌ای در فرایند توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: محله کلکته-چی یا راسته کوچه شهر تبریز، صفه، شماره ۴۹: ۹۳-۱۰۴.
- رهایی امید و قائم‌مقامی پروین، (۱۳۹۰)، اثرات کالبدی ساختمان‌های صنعتی بر گسترش شهری در ایران، نمونه موردی: پالایشگاه تهران و منطقه مسکونی باقر شهر، باغ نظر، سال ۸، شماره ۱۶: ۴۳-۵۴.
- رهنما محمدرحیم، (۱۳۸۷)، اثرات اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی مرکز شهر مشهد بر محله پایین خیابان، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱: ۱۵۷-۱۸۰.
- CDS در فرایند در برنامه‌ریزی شهری با تاکید بر چالش‌های فراروی طرح‌های جامع در ایران، فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۶: ۱۷۳-۲۱۰.
- حسین زاده دلیر کریم و ولی‌بیگی درویشوند، مجتبی، (۱۳۸۹)، برنامه ریزی شهری از نگاه ساختار شکنی، نشریه علمی و پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۵، شماره ۳۳: ۱۳۱-۱۴۶.
- حسین‌زاده دلیر کریم و ملکی سعید، (۱۳۸۶)، بررسی تغییرات کاربری اراضی شهری در طرح جامع و تفصیلی شهر ایلام، طی دهه ۷۲-۸۲، جغرافیای و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۸: ۶۵-۹۳.
- حکمت‌نیا حسن، (۱۳۸۹)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهر بهاباد با استفاده از الگوی تحلیل SWOT، فصلنامه مطالعاتی شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲: ۸۳-۱۲۰.
- خاکپور براتعلی، رفیعی هادی، صالحی فرد محمد و توانگر معصومه، (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد مدیریت شهری در گسترش فضاهای سبز عمومی (پارک‌ها) با استفاده از روش تاپسیس، مطالعه موردی: شهر مشهد، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۴: ۲۷-۱.
- خستو مریم، سعدی رضوانی نوید، (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶: ۶۳-۷۴.
- خستو مریم و سعیدی رضوانی نوید، (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده، هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶: ۶۳-۷۴.
- دانش جابر، طیبی امیر، (۱۳۹۰)، کیفیت حضور در میادین شهری با تاکید بر نمونه‌های سنتی ایران، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴: ۷۱-۷۹.
- ذکاوت کامران، (۱۳۸۲)، بازسازی در نوگرایی، صفه، سال سیزدهم، شماره ۳۶: ۷۶-۹۱.
- داوودپور زهره و اردلان داریوش، (۱۳۹۰)، نظریه‌های عمومی برای شهرهای قرن بیست و یکم و انطباق آن با شرایط ایران، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۹۲-۸۳: ۹.

- روستایی، شهرام، (۱۳۹۰)، پهنه بندی خطر گسل تبریز برای کاربری‌های مختلف اراضی شهری، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱: ۲۷-۴۱.
- زنگی‌آبادی علی و وفایی ابوذر، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر کاربرد اراضی بافت قدیم کاشان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۳: ۹۱-۱۱۴.
- زیاری کرامت‌الله و زرافشان عطاءالله، (۱۳۸۵)، بررسی تغییرات کمی و کیفی مسکن در شهر مراغه و پیش بینی مسکن مورد نیاز تا سال ۱۴۰۲، جغرافیا و توسعه، شماره ۸: ۸۵-۱۰۵.
- زیاری یوسفعلی و حسن‌مردی مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل کاربری اراضی شهری و وزن دهی معیارهای مکان‌یابی جایگاه‌های پمپ گاز CNG با استفاده از مدل AHP (مطالعه موردی: منطقه ۴ گازی شهری تهران)، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، شماره دوم: ۴۱-۵۲.
- سلطانی علی و اطمینانی‌قصرالدشتی رویا، (۱۳۸۹)، نقش تراکم شهری در وابستگی به اتومبیل، مطالعه موردی: سه ناحیه مسکونی در منطقه ۳ شیراز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵: ۱۳۹-۱۵۴.
- سلطانی علی، نامداریان احمد علی، (۱۳۹۰)، تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین پارادایم ارتباط، باغ نظر، سال ۸ شماره ۱۸: ۳-۱۲.
- شعبانی‌نگین، کوچک زاده محسن و شعبانی عباس، (۱۳۸۶)، باز زنده سازی بافت‌های فرسوده و با ارزش از طریق استقرار کاربری‌های مناسب؛ نمونه موردی: بافت قدیم بوشهر، صفا، سال ۱۶، شماره ۴۵: ۵۴-۶۶.
- شماعی علی، (۱۳۸۲)، توسعه ناموزون فضایی - کالبدی شهر یزد و اثرات آن بر ساخت اکولوژیک شهر، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶: ۱۹-۳۷.
- شماعی علی و پوراحمد احمد، (۱۳۸۳)، تحلیلی بر سیاست‌ها و برنامه‌های نوسازی شهری در برنامه‌های توسعه کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸: ۱۸۱-۲۰۴.
- شمس مجید و حجی‌ملایری پریسا، (۱۳۸۸)، توسعه فیزیکی و تاثیر آن در تغییرات کاربری اراضی شهر ملایر (۸۵-۱۳۶۵)، فصلنامه آمایش، شماره ۷: ۷۵-۹۱.
- صالحی‌واسکسی احمد، بمانیان محمدرضا و فراهانی مریم، (۱۳۸۸)، الگویابی روش‌ها و سیاست‌های ساماندهی مراکز تجاری، آرمانشهر، شماره ۲: ۲۳-۳۰.
- ضرابی اصغر، تقوایی مسعود و مختاری‌ملک‌آبادی رضا، (۱۳۸۹)، برنامه‌ریزی کاربری فرهنگی - تفریحی مناطق شهری اصفهان و نقش ITC در تعادل بخشی منطقه‌ای، جغرافیا و توسعه شماره ۱۸: ۱۳۵-۱۵۸.
- ضرابی اصغر، غلامی‌بیم‌رخ یونس و موسوی سیدعلی، (۱۳۸۸)، بررسی کاربری اراضی شهر نورآباد ممسنی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱: ۲۵-۴۸.
- طبییان منوچهر، هادی مرتضی و جابری مقدم، (۱۳۸۸)، معرفی مبانی نظری الگوی تعیین محدوده‌های همگن عملکردی راهی راهی برای اصلاح برنامه‌های کاربری زمین شهری در ایران، آرمانشهر، شماره ۳: ۱۰-۲۲.
- عباس‌زادگان مصطفی و رضوی حامده، (۱۳۸۵)، اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری " برنامه ریزی طراحی محور"، هنرهای زیبا، شماره ۲۸: ۱۵-۲۲.
- عباس‌زادگان مصطفی، رضازاده راضیه و محمدی مریم، (۱۳۹۰)، بررسی مفهوم توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی و جایگاه مترو شهری تهران در آن، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۷: ۴۳-۵۸.
- عینی‌فر علیرضا و قاضی زاده سیده ندا، (۱۳۸۹)، گونه شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز، آرمانشهر، شماره ۵: ۳۵-۴۵.
- عندلیب علیرضا، (۱۳۹۰)، چالشها و نقش‌های چندگانه توسعه شهر تهران، مدیریت شهری، شماره ۲۷: ۱۹-۳۰.

تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۳۱: ۳۳ - ۵۳.

قربانی رسول و نوشاد سمیه، (۱۳۸۷)، راهبرد رشد هوشمند در توسعه شهری، اصول و راه‌کارها، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲: ۱۶۳-۱۸۰.

قرخلو مهدی، حسینی سیدهادی، (۱۳۸۵)، شاخص‌های توسعه پایدار شهری، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۸: ۱۵۷-۱۷۷.

قرخلو مهدی، داودی محمود، زندوی سیدمجدالدین و جرجانی حسن‌علی، (۱۳۹۰)، مکانیابی مناطق بهینه توسعه‌ی فیزیکی شهر بابل بر مبنای شاخص‌های طبیعی، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۳: ۹۹-۱۲۲.

قرخلو مهدی و پناهنده‌خواه موسی، (۱۳۸۸)، ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب سرریز جمعیت کلانشهرها مطالعه موردی شهرهای جدید اطراف تهران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷: ۱۷-۲۵.

قرخلو مهدی و فرجام رسول، (۱۳۸۰)، ساماندهی و استقرار صنایع و کارگاه‌های مزاحم شهری، مطالعه موردی: بافت مرکزی کرمانشاه، پژوهش‌های جغرافیایی شماره ۴۰: ۴۷-۷۱.

قصری محمد، کلاتری محسن، جباری کاظم و قزلباش سمیه، (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر میزان و نوع کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزه‌کاری، مطالعه موردی: جرائم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۳: ۱۷۴-۲۰۲.

قلعه‌نویی محمود و تدین بهاره، (۱۳۸۹)، تهیه‌ی طرح جامع رنگی، تلاشی برای مدیریت رنگ‌ها در شهر؛ نمونه مطالعاتی: خیابان سپه اصفهان، مدیریت شهری، شماره ۲۶: ۲۴۱-۲۵۷.

قهرمانی هومن و شیعه اسماعیل، (۱۳۹۰)، قرائتی از نظام شهرسازی آمریکا با تاکید بر شهر نیویورک، آرمانشهر، شماره ۷: ۱۴۳-۱۵۷.

کرم امیر و محمدی اعظم، (۱۳۸۸)، ارزیابی و پهنه بندی تناسب زمین برای توسعه فیزیکی شهر کرج و اراضی پیرامونی بر پایه فاکتورهای طبیعی و روش

عزیزی محمدمهدی و آراسته مجتبی، (۱۳۹۰)، ارزیابی تحقق پذیری پیش‌بینی‌های کاربری اراضی و پیشنهادات جهات توسعه در طرح جامع شهر لار، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱: ۱-۲۲.

علی‌اکبری اسماعیل، (۱۳۸۳)، رویکردی به احیای ارزش‌های در شهرسازی معاصر، پیک نور، سال دو شماره ۲: ۴۸-۷۸.

علی‌اکبری اسماعیل و فرجی داربخانی، محمد، (۱۳۸۵)، شهرهای اداری - سیاسی و ناپایداری شهری، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۶: ۱۵۵ - ۱۷۸.

علی‌اکبری اسماعیل و عمالدین عذرا، (۱۳۹۱)، ارزیابی کمی و کیفی کاربری‌های شهری با تاکید بر نظام توزیع و الگوی همجواری (مطالعه موردی: منطقه یک شهر گرگان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹: ۱۵۷-۱۷۲.

فرهودی رحمت‌الله، سیف‌الدینی فرانک و زنگنه مهدی، (۱۳۸۵)، شهر خواف؛ الگویی جهت ارزیابی و تحلیل کاربری اراضی، جغرافیا و توسعه، شماره...: ۱۰۷ - ۱۲۹.

فاضل‌نیا غریب، کیانی اکبر و محمودیان حشمت‌الله، (۱۳۹۰)، مکانیابی و اولویت‌بندی پارک‌های شهری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی TOPSIS و سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی شهر الشتر)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸: ۱۳۷-۱۵۲.

فرهودی رحمت‌الله و محمدی اکبر، (۱۳۸۴)، روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی شهر سنندج، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳: ۸۷-۹۸.

فلاح محمد صادق و کلامی مریم، (۱۳۸۷)، تاثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۲: ۸۵ - ۹۸.

قالیباف محمدباقر، روستایی مجتبی، رمضان زاده لسبویی مهدی و طاهری محمد رضا، (۱۳۹۰)، ارزیابی میزان کیفیت زندگی شهری؛ مطالعه موردی: یافت آباد

- مزیدی احمد و صفرزاده مهدی، (۱۳۹۰)، شناسایی و رتبه بندی علل موثر بر کاربری اراضی مسکونی با استفاده از تکنیک‌های MADM مطالعه موردی شهر یاسوج، جغرافیای و توسعه، شماره ۲۱: ۸۱-۹۶.
- معینی سیدمحمد مهدی، (۱۳۸۶)، رفتار عابرین پیاده در ارتباط با مکان‌های مسکونی و تجاریع مطالعه موردی: منطقه ۶ شهرداری تهران، هنرهای زیبا، شماره ۳۲: ۱۵-۲۶.
- معینی سیدمحمد مهدی، (۱۳۸۵)، افزایش قابلیت پیاده مداری، گامی به سوی شهری انسانی تر، هنرهای زیبا، شماره ۲۷: ۵-۱۶.
- مطلبی قاسم، (۱۳۸۵)، رویکردی انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری، هنرهای زیبا، شماره ۲۷: ۵۷-۶۶.
- مظفری غلامعلی و اولی‌زاده انور، (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت توسعه فیزیکی شهر سقز و تعیین جهات بهینه توسعه آتی آن، مجله محیط شناسی، سال ۳۴، شماره ۴۷: ۱۱-۲۰.
- موحد علی، امان‌پور سعید، پورمحمدی محمدرضا و عساکره ماجده، (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل مکان‌یابی بهینه مدارس ابتدایی، موردی: شهر شادگان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۹، شماره ۲۲: ۱۲۹-۱۴۹.
- موحد علی و صمدی محمدحسین، (۱۳۹۰)، ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهر مریوان، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸: ۴۵-۶۶.
- موحد علی و تقی‌زاده، ایوب، (۱۳۸۸)، بررسی جهت‌های توسعه مناطق حاشیه نشین شهر اهواز با استفاده از GIS و RS، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۰: ۱۵-۲۸.
- موستوفی‌الممالکی رضا و رستم‌گورانی ابراهیم، (۱۳۸۸)، بررسی علل موثر بر کاربری اراضی شهر قشم با الگوهای فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و درجه بندی و اولویت بندی مولفه‌ها (TOPSIS)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳: ۸۱-۱۰۷.
- فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP، فصلنامه جغرافیای طبیعی، شماره ۴: ۵۹-۷۴.
- کاشانی جو خشایار و مفیدی‌شمیرانی سیدمجید، (۱۳۸۸)، سیر تحول نظریه‌های مرتبط با حمل و نقل درون شهری، هویت شهر، سال سوم، شماره ۴: ۳-۱۴.
- لطفی سهند، (۱۳۸۳)، نگاهی به تجربه مدرنیته به شهر و شهرسازی معاصر، هنرهای زیبا، شماره ۲۰: ۱۷-۲۶.
- لطفی سهند، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر تحلیل "ساختار دستوری" کالبد شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲: ۱۵-۲۴.
- لطفی صدیقه، (۱۳۸۸)، مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش‌های آن در برنامه ریزی شهری، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴: ۶۵-۸۰.
- ماجدی حمید، منصوری الهام، حاجی آبادی آذین، (۱۳۹۰)، باز تعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر، حدفاصل میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر)، مدیریت شهری، شماره ۲۷: ۲۶۳-۲۸۳.
- ماجدی حمید، (۱۳۸۹)، توسعه‌های شهری امروز، بافت-های فرسوده آینده، هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶: ۸۷-۹۴.
- محسنی تیریزی علیرضا و آقامحسنی مریم، (۱۳۸۹)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری؛ مورد پژوهی: شهر محلات، مدیریت شهری، شماره ۲۶: ۱۴۷-۱۶۲.
- مرادی سلمان، (۱۳۸۶)، هنر عمومی و تلفیق آن در فضای شهری، باغ نظر، سال چهارم، شماره ۸: ۸۱-۹۰.
- محمدزاده رحمت، (۱۳۸۸)، بررسی آثار مدرنیته غرب بر شهرسازی ایران، صنفه، سال هجدهم، شماره ۴۸: ۷۹-۹۴.
- محملی‌ایبانه حمیدرضا، (۱۳۹۰)، ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری، مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح-های جامع تهران با تجارب جهانی، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۷: ۹۵-۱۰۴.
- محمودی محمد مهدی، (۱۳۸۳)، ضرورت طراحی در ارتباط با فضای شهری پیرامون ورودی‌های مترو در تهران، هنرهای زیبا، شماره ۱۹: ۴۹-۵۵.

- اسلامی، نمونه تبریز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۴ : ۲۹-۵۲.
- Breheny, M., (1992), *The Contradictions of the Compact City: A Review*, in: M. Breheny (Ed.) *Sustainable Development and Urban Form*. Pion. London.
- CERVERO, R. & KOCKELMAN, K. (1997), *Travel Demand and the 3 D's: Density, Diversity, and Design*. In: *Transportation Research D*, Vol. 2., pp. 199-219.
- CERVERO, R. (1988), *Land-use Mixing and Suburban Mobility*. *Transportation Quarterly*, Vol. 42, pp. 429-446.
- Coupland, A. (Ed.). (1997), *Reclaiming the city: Mixed use development*. London, E & FN SPON.
- Downs, A. (2005), *Smart Growth*. *Journal of the American Planning Association*. 71(4):367-380.
- Gyourko, J. E. & Rybezynski, W. (2000), *Financing New Urbanism projects: Obstacles and Solutions*. *Housing Policy Debate*, 11(3): 733-750.
- Grant J. (2002), *Mixed use in theory and practice: Canadian experience with implementing a planning principle*. *Journal of the American Planning Association* 68(1):71-84.
- Hoppenbrouwer, E. and LOUW, E. (2005), *Mixed-use Development: Theory and Practice in Amsterdam's Eastern Docklands*. *European Planning Studies* Vol. (13, No. 7): 967-983.
- Rabianski J. and Sherwood Clements J. (2007), *Mixed-Use Development: A Review of Professional Literature*. Prepared for and Funded by The National Association of Industrial and Office Properties Research Foundation. Department of Real Estate Georgia State University Atlanta, GA.
- Schwanke, D. (2002), *Mixed-use Development Handbook*. Urban Land Institute. Washington, D.C.
- Stead, D. and Hoppenbrouwer, E. C. (2004), *Promoting and urban renaissance in England and the Netherlands*. *Cities* 21(2): 119-136.
- Witherspoon, E., Abbett, J. & Gladstone M. (1976), *Mixed-Use Developments: New Ways of Land Use*. Urban Land Institute. Washington, D.C. *Technical Bulletin*, Special issue Vol. 71.
- مولازاده سیدمحمدعلی، (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های چپ و راست در مدیریت زمین‌های شهری، تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۵۸ و ۵۹ : ۴۳-۵۷.
- مومنی مهدی، بیک‌محمدی حسن و آروم فلورا، (۱۳۸۹)، تحلیلی بر کاربری اراضی منطقه یک شهر اصفهان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره ۳: ۲۷ - ۴۴.
- میرزاکوچک‌خوشنویس احمد، (۱۳۸۵)، دولت شهر آرمانی ایرانی؛ مفهوم فضای شهری ایران، باغ نظر، شماره ۶ : ۱۰۱-۱۱۸.
- نگارستان فرزین، تیموری محمد و آتیش‌بار محمد، (۱۳۸۹)، تئوری منظر، رویکردی بر تداون هویت در نوسازی شهری، باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۴ : ۵۹ - ۶۸.
- نوذری شعله، (۱۳۸۳)، رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی، صغه، شماره ۳۹ : ۴۵-۶۶.
- وارثی حمیدرضا، قائدرحمتی صفر و باستانی‌فرایمان، (۱۳۸۶)، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان، جغرافیا و توسعه، شماره ۹ : ۹۱-۱۰۶.
- وارثی حمیدرضا، جمال محمد و شاه‌یوندی احمد، (۱۳۸۷)، مکتب‌یابی فضای سبز شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: شهر خرم آباد)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۰ : ۸۳-۱۰۳.
- ولی‌زاده رضا، (۱۳۸۶)، مکانیابی مراکز آموزشی دبیرستان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، نمونه موردی شهر تبریز، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۷، شماره ۱۰ : ۵۹ - ۸۷.
- هوشیار حسن، (۱۳۹۰)، مکانیابی کاربری‌های درمانی با استفاده از روش AHP (مطالعه موردی: شهر مهاباد)، فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۶ : ۱۳۱-۱۵۰.
- یزدانی محمدحسن و پوراحمد احمد، (۱۳۸۶)، تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی -